

۶۵

سال یازدهم دی ۷۰
بها ۲۵۰ ریال

إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا

در راه خدا بسوی تحمل مصائب و سختیها ،
ما قلبی لنا دورا عفا

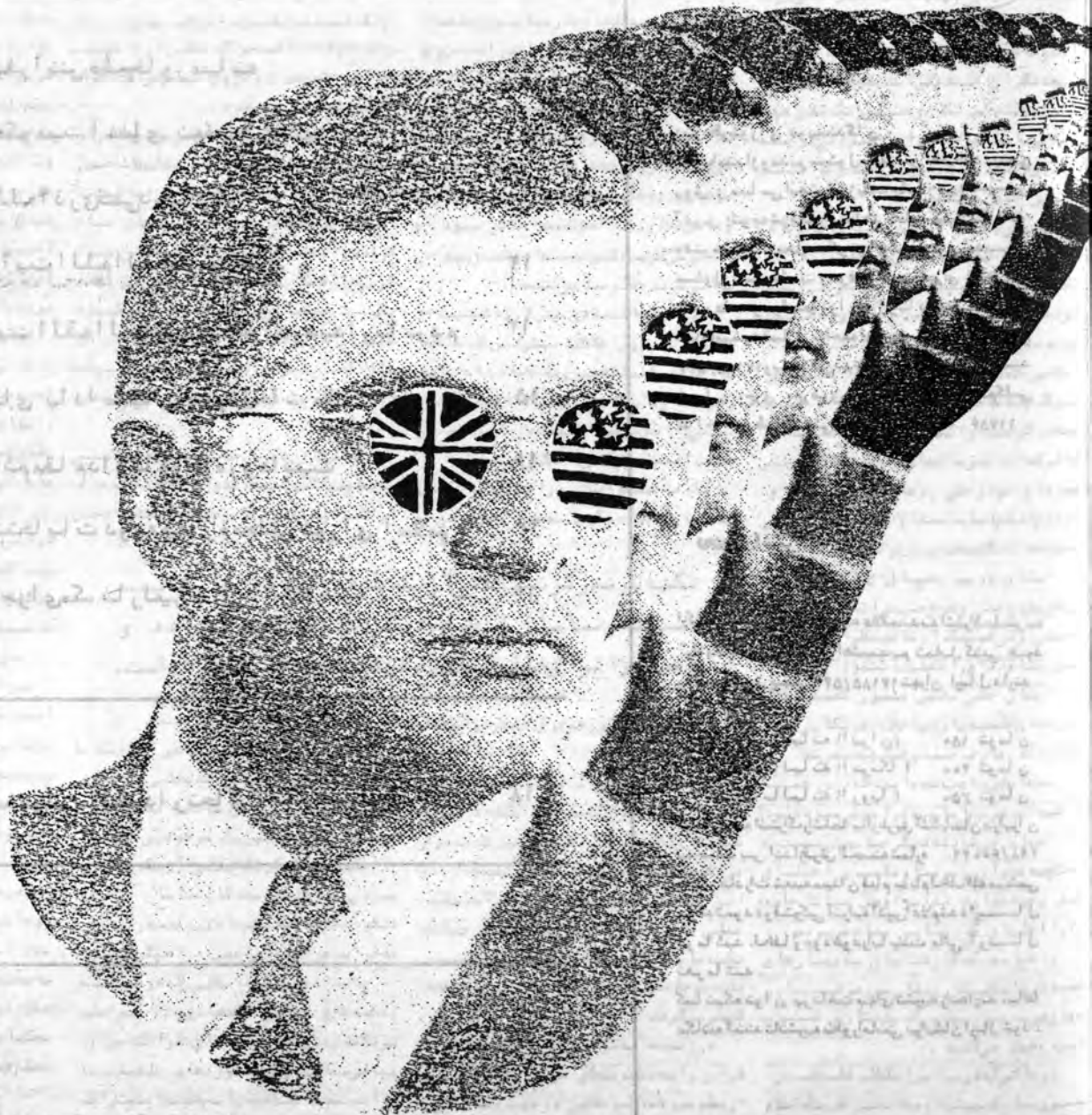
إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا

● هویت اسلامیمان را
از یاد نبریم
● پیام و بیانات آیت الله
منتظری

● ... و آیت شیفته
بقائی بود

● ده سالی که گذشت
● رمز بسیج توده‌ها

راه مجاهد



این نامه‌ها است...
موضوع: ...

جمهوری اسلامی ایران
وزارت آرا و اسلامی

۷۲ لطف‌الله میثمی
سازمان انتشارات راه مجاهد
سلام طبکم

پارکته به نامه مورخ ۱۳۶۵/۳/۲۱ مبنی بر اطلاع‌رسانی با این جهت به مطبوعات
صوبه اصفهان ۱۳۶۲ به اطلاع رسانده بنظر اجرای ماده ۱۷ این مکتوب
اطلاع‌رسانی با شماره ۵۰۰۰ مورخه مورخ ۱۳۶۸/۲/۵ شماره نظارت مطبوعات مورخه رسیدگی
فرارگشت داده انتشارات نشریه بلافاصله اعلام کرده

مهراب اکبریان
سرپرست اداره کل مطبوعات و نشریات
۹۸۰۶۱۸

راه مجاهد

زیر نظر شورای نویسندگان
صاحب‌امتیاز و مدیر مسئول مهندس لطف‌الله میثمی
پروش: سیاسی ایدئولوژیک-جانب: رودکسی
آدرس: توجه شود که راه مجاهد بعلمت کمبود امکانات
دفتر نداشته و محل مسکونی زیر آدرس مدیر
مسئول نشریه است و صرفاً جهت اجرای قانون
مطبوعات و مراجه وزارت ارشاد معرفی می‌گردد
تقاضا میشود قبل از مراجعه از طریق صندوق پستی
۱۷۱۸۵/۵۴۴ و یا تلفن ۳۵۳۵۶۸ تماس بگیرند
تهران، خیابان خرمی (آبمنگل)، کاسم‌گلی
کاخوان طباطبائی پ ۲۶- ط دوم کد ۱۱۷۵۶

نحوه اشتراك

از کلمه برادران و خواهانی که علاقمند به اشتراك باشند به
"راه مجاهد" هستند، خواهشمندیم تمایل کتبی خود
را به صندوق پستی ۱۷۱۸۵/۵۴۴ تهران ارسال دارند.
بهای اشتراك:

- اشتراک سالانه (ایران) ۱۵۰ تومان
 - اشتراک سالانه (امریکا) ۴۰۰ تومان
 - اشتراک سالانه (اروپا) ۳۵۰ تومان
- لطفاً توجه اشتراك را شخصاً یا از طریق آشنایان در ایران
به حساب پس انداز قرض الحسنه شماره ۴۹۸/۶۰۰۲۹
بانک صادرات شعبه میدان قیام به نام لطف‌الله میثمی
حواله نموده و فتوکپی آنرا به آدرس اعلام شده ارسال
فرمائید. لطفاً توجه خود را با پست مالی ارسال
نفرمائید.

کما نیکه توان پرداخت بهای نشریه را ندارند، با ما
مکاتبه کنند تا نشریه بطور امانتی برایشان ارسال شود.

- ۳ ● هویت اسلامی ما را از یاد نبریم
- ۴ ● ... و آیت شیفته بقایی بوند
- ۷ ● ده سال که گذشت... (مصاحبه با مهندس میثمی
به مناسبت دهمین سالگرد انتشار راه مجاهد)
- ۹ ● **خبرنامه استراتژیک**

- ۱۰ ● نگاه‌های به‌کنفرانس صلح‌خاور میانه
- ۱۱ ● محاکمه و محکومیت اعضای نهضت آزادی
نظر آیت‌الله آذری قمی درباره
- ۱۲ ● اعلمیت آیت‌الله العظمی منتظری
- ۱۳ ● سخنرانی آیت‌الله العظمی منتظری در دیدار با مردم
- ۱۵ ● جوابیه آقای بادامچیان و توضیحات ما
- ۱۶ ● مصاحبه قائم مقام دگانه ویژه روحانیت
- ۱۶ ● درباره انتخابات دوره چهارم مجلس شورای اسلامی
- ۱۶ ● درباره ما جرایمک فارلین

- رمز بسیج توده‌ها
(سخنرانی مهندس میثمی در سالگرد ارتحال امام خمینی)
- ۱۸
- پاسخ به خوانندگان
- ۲۱

طرح روی جلد در رابطه با دکتر مظفر بقایی است.

هویت اسلامی مان

را

از یاد نبریم

این روزها عوامل نگران کننده زیادی وجود دارد، نظیر: حضور روز افزون نیروهای آمریکا و متحدینش در منطقه، محاصره نظامی ایران، شناسایی موجودیت اسرائیل در جریان صلح‌ها و زمینه‌ها، بی‌قیب شدن آمریکا در صحنه بین‌المللی ویکه تا پیش برضد اسلام و ملل محروم، جی‌اویل نفت به ارزانترین قیمت ممکنه ویا تحمیل ظالمانه‌ترین شرایط، تنها جم‌فرهنگی غرب و بحران‌ننگهداشتن ایران تا ظهور آلترنا تیفوردلخواه غرب و... ولسی آنچه نگران کننده تر است، توطئه‌های غرب نیست، بلکه کم‌رنگ، وحتی بیرنگ شدن هویت اسلامی‌هاست، چراکه عوامل بیرونی‌گرچه تعیین کننده اند ولی به اعتبار عوامل ملل درونی عمل می‌کنند.

بررسی‌ها و سخنرانیهایی مام (ره) از سال ۶۵ به بعد گواهی می‌دهد که اصلی‌ترین نگرانی‌ها نیز همین مسائل درونی بوده است، چراکه ارزشها و دستاوردهای موجود در جامعه ما نظیر وقوع انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی، قانون اساسی، تصرف لانه‌ها سوسی و دفع تجاوز و... همه نشات گرفته از اسلام عزیز بوده است، در حالی‌که ما مدرسه‌های آخر عمرمان در بین بیرونی خود و حتی روحانیون بیرونی ما، دنیویع اسلام با متفوت را معرفی نمی نمودند: اسلام محمدی (ص) و اسلام آمریکا سی.

ایشان در بیان مجال ۶۵ گفتند که برخی بیرو و عقل و شرع حسینی تدویری غیر حسینی، ولی هیچک از ما حینظران اسلامی این بیان ما مرا تعقیب ننمود.

ایشان حتی بدین مضمون گفتند که اگر حوزه‌های علمیه ما روی اسلام آمریکایی کار می‌کردند، عارف حسینی هم تهدید نمی‌شد.

جه‌عالمی‌ها عت شده است که این همه تا کلمات صریحاً ما به فرا موشی میرده‌نود؟ احساس می‌شود که دیگر حاسا سنی نیست نه اسلام به عنوان زیربنای مکتب و راه‌نمای عمل وجودت دارد. لذا برای حل مسائل جامع به راه حلهایی کارشناسی بنا می‌بریم.

واضح است که کارشناسان به معنای عقیدت‌خواهی اسلامی کاریند و رند و صرفاً در چهارچوب شئورسی‌یکه بیستادش غسرب است، عمل می‌کنند.

درحالی‌که دربرابر انقلاب فلسطین، ملیون، مارکسیست‌ها و مخالفین، فریاد اسلام ما بلند است و هرگاه کنیروسی‌ها جناحی را می‌خواهیم حذف و طرد کنیم، واژه‌های شدید

و غلیظ اسلامی و دینی به کار می‌بریم. اما متأسفانه در زمینه‌های اساسی اسلام را هنمای عمل خبری نیست و تلاش چشمگیری هم در جهت پیدا کردن راه‌حلهای اسلامی صورت نمی‌گیرد.

در زمینه سیاسی، مقایسه و متدیر بر اساس احکام شورای امنیت سازمان ملل نمی‌کنیم. در سیاست خارجی به عرف بین‌الملل اکتفا می‌کنیم. لذا دچار رسا ستهای متضاد در طول زمان می‌گردیم. زمانی انزوای اصولی را اسلامی می‌دانیم و گاه هی‌ترک انزوا را، زمانی می‌گوئیم در اسلام صلح‌ها کفار وجود ندارد و زمانی دیگر خود را قهرمان صلح می‌دانیم، روزی نه شرقی و نه غربی اسلامی بود، روزی دیگر ما نگین شرق و غرب، زمانی ما رزه‌ها کمونسیم اسلامی بود، و زمانی می‌گوئیم کمونسیتها در شوروی در برابر غرب مقابله می‌کنند.

در زمینه اقتصاد، پس از گذشت ۱۳ سال از پیروزی انقلاب مسئولین اقتصاد می‌انگام می‌کنند که چیزی به نام اقتصاد اسلامی وجود ندارد. زمانی در خطبه‌ها اقتصاد دولتی را اسلامی می‌دانستند و زمانی همان خطاب اقتصاد آزاد را اسلامی می‌نمایند.

یک ما حینظران اسلامی در اقتصاد ده‌کار امانت می‌دهد، دیگری به سرمایه‌دوسی به

تکیه بر تمرکز تشکیلاتی از یک طرف و سپردن کارها به دست کارشناسان از طرف دیگر دست هم‌دا ده و زمینه را برای حذف اسلام را هم کرده است.

کاروسرما به، و بطور هم‌عرض به هر دو امانت می‌دهد.

در زمینه نظامی - عمدتاً به ملاحضاتی مدون و تکنولوژی پیشرفته نگاه داریم و شوه‌های یکلاسک را راه‌نمای عمل قرار می‌دهیم (درسا زمانه‌دهی و مدیریت) این خط مشی هم بدون تکیه به درآ مدنفت عملی نیست. تجربه نشان داده که هرچند تکیه ما به درآ مذابا داده و نفت بیشتر باشد توجه مان نسبت به سنجیان دل سوخته کمتر می‌گردد.

در زمینه ادثولوژی هم که کلسید فهم قرآن را به دست منطق غربی نونانسی ارسطوس برده ایم و تلاشی در جهت دست‌یابی به روش تفکل قرآنی دیده نمی‌شود. علت آنکه میا رزه‌ها تنها جم‌فرهنگی

غرب هم‌ها همه تبلیغاتی‌که می‌شود کارآیی ندارد همین است که ما مثل اساسی و زیربنای بی‌مکتب را فراموش و به فرهنگ و ظواهر بریدار خته‌اسم.

آن قدر که مسئله تنها جم‌فرهنگی غرب و چند نوار موسیقی و کم‌حجاسیو... عمده می‌شود، یک‌دهم آن به خطر رسوخ اسلام آمریکا بی‌افکارا معه و روحا نیت توجه نمی‌گردد.

به علت همین خلا ایدثولوژیک، از ابتدای انقلاب هر زمان اختلافی بین نیروها یا انقلاب یا جناحها می‌نظام می‌وجود آمده تا به دنبال راه‌حل ایدثولوژیک آن نرفته، بلکه زشوه‌های جذبی و تمغیه‌های تشکیلاتی استفاده گردیده است.

خط مشی یک دست کردن نظام ما اکنون موجب حذف بسیاری از نیروهای خوب و دل سوز شده است، سرانجام هم‌نظام‌ها این شوه‌ها یک دست نشده و حالا صحبت از تصفیه و حذف جناح‌سوسوم به‌جاست.

در صورتی‌که شوری نگینان مجلس چهارم رایک دست نماید، باز هم اختلاف ایدثولوژیک وجود خواهد داشت، چرا که مجلس از جامع‌جدا آسیت و تحولات درون مردم خواهد ناخواه در مجلس منعکس می‌شود.

حزب جمهوری اسلامی با جمع‌بندی‌های از انقلاب مشروطیت و با شعار "تشکیلات آهین" به صحنه آمد. ولی پس از چند سال فعالیت اختلاف جناحها در درون حزب به حدی بالا گرفت و باعث استراتژیک و طبقه‌بندی پیدا کرد که راه‌حل ایدثولوژیک برای آن پیدا نکردند.

هرچنان‌که خط خود عمل می‌کردند، در سرکل حزب هم‌انگام نمودند که سالان ۵ سال کار ایدثولوژیک تقریباً صفر بوده است. بناچار حزب هم‌به توفک و رکود کشیده شد.

نصا‌دهای درون حزب جمهوری اسلامی به سطح ممالک کشنده تدوین آنجا که انسجام فراگرا ایدثولوژیک وجود نداشته را حل

آن را "تمرکز تشکیلاتی" یافتند. بازنگری به قانون اساسی آغاز شد، با نگاه‌های خمالی به مذاکرات مجلس بازنگری قانون اساسی می‌توان به عمق بحرانها و اختلافات ایدثولوژیک موجود پی برد.

تکیه بر تمرکز تشکیلاتی از یک طرف و سپردن کارها به دست کارشناسان از طرف دیگر دست به دست هم‌دا ده و زمینه را برای حذف اسلام را هم کرده است. با نادانان کردن اسلامی که در همه زمینه‌های سیاسی، اقتصاد، دیو... بنوانند بر تاسه ریزی‌کنند و شوه‌های قرآنی را معرفی نماید از طرف حوزه‌های علمیه ما ارائه نشده است. فقهارا هم‌به اعتراف مسئولین امر و گفته‌ها م‌خمینی (ره) راه‌نمای عمل حکومت نیست.

اما نگرانی‌ها اینجا است که علیرغم وجود چنین کمبودی چرا در جهت شناخت اسلام واقعی تلاش نمی‌شود؟ این فضا با ما را به با تجربه تلخی می‌اندازد که بر سر زمان مجاهدین آمد. چون ما خود از آن تجربه تلخ‌تر به دیده‌اسم، وظیفه‌ها ریم‌که این مسئله را بیشتر توضیح دهیم.

بنیانگزاران سازمان هم‌در زمان خودشان از خالص‌ترین و سالم‌ترین جوانها بودند، در ایام نشان به خدا و اسلام اطهارا رشکی نبود، عملشان هم‌صالح بود، به مردم عشق می‌ورزیدند و در قلب مردم هم جای داشتند. روی قرآن و تهیج اصلاغه کارگردند. در تاربا سلام به خصوص تا رسیخ نهضت حسینی تحقیق کردند.

هسچوقت هم‌جادی از حوزه‌ها و روحانیت نبودند، بلکه مورد تانید افرا دمالسجوج روحانیون ما رزان زمان نیز بودند، ما حوزه‌ها هم‌بر خورد می‌کردند و به هم‌من در یافت فعلی ما م‌وظفام از روحا نیت رسیده بودند که آموزشهای روحا نیت محمود راه‌نمای عملی برای سیاست و حکومت اندارد و فقهارا بسج فقط در زمینه‌های عبادی فردی کار برسد دارد، از ما رست ما قرآن و نهج‌السلامعه و زندگی‌نامه به نفس رسیده بودند که با حکومت عادلانه تشکیل داد. و با ظلم میا رزه کرد، ولی شوه‌ها سن میا رزه معلوم نبود، آموزشها را بسج حوزه‌های علمیه هم‌در این زمینه ره‌نمودی نداشت، چنانچه اکنون برخی مراجع علمای حوزه معتقدند که حرکت ما م‌خمینی (ره) یک حرکت سیاسی بوده و از فقهارا بسج نمی‌جوئد.

علیرغم مشکلات فوق حرکت مجاهدین در داخل و خارج فراگیر شد. همه به حرکت آنها امید بسته بودند، ساواک هزینه‌ها فراوانی را برای دستگیری یک مجاهد خرج می‌کرد ولی علیرغم سرکوب و فشار زشدند نتوانست

ما زمان را متلاشی کند. سازمان موفق شد به دنبال دستاوردهای قرآنی، بیستادری عمل صالح زمان را پیدا کند، و برای اولین بار در تاریخ تشکیلاتی ایران ده سال زیر شکنجه و فاشیسم و خفقان دوام انقلابی پیدا کند.

بی‌شویه زکجا وارد آمد؟

پس از اعدام میا نگزاران و شهسادت احمد رضا بی‌درسا هوشیادت رضا سیاسی در سال ۵۲، کارها به این نتیجه رسیدند که اگر بخوا هم‌قرآن را راه‌نمای عمل میا رزه و تشکیلات قرآنی دهیم، به علت تفسیرهای بی‌انسانانه و تنفای‌ها که از وجود دارد، خط مشی‌های مختلف و نشانیات زیادیدر سا زمان به وجود می‌آید، یکی از روحانیون سرشناس آن زمان گفته بود که ۷۵٪ آبات قرآن متنا به هستند، یعنی که با دیده‌آن فقط امان دانسته‌اند اینکه عمل کرد، از طرفی ۱۷ تعریف مختلف از محکما ت وجود دارد و لذا در عمل به آبات محکم هم‌دارا شکل می‌توسم.

... و آیت شیفته بقائی بود



بسیار انقلاب نقش فعالی را در راه‌ها مور
نظام جمهوری اسلامی و حزب جمهوری اسلامی به
عهده‌گرفت و ایشان و دوستانشان در
سیاسی‌ها زماثل آشکارا روشن‌شان فعال
بودند.

در ادامه مطلب قسمت‌ها بی‌زدرسی‌های
آیت‌که در آن در مورد بقائی صحبت شده،
نقل می‌شود.

آیت، بقائی را معرفی می‌کند

ص ۱۲۴ - جلسه سوم
۱۰۰۰۰ اینجا است که ما با یک چهره جدید
روبرو می‌شویم و آن دکتر بقائی است که گاهی
است که حس می‌کنم به علت اینکه گاهی به گاهی
اسم من با او برده می‌شود، شما خیلی علاقمند
باشید که با من صحبت کنید، از او بپرسید
همین دلیل با تفصیل بیشتری در این
مورد صحبت می‌کنم.

دکتر بقائی را با همی‌کرمان بود. از
تحصیل کرده‌ها یا اروپا و دکتر در فلسفه،
بدرش سوابق مبارزاتی داشته از متشرعین
متحد، مثل خیلی از متشرعین که جنبه
تجددشان می‌جریسد، در مجلس پنجم بدرکتر
بقائی - مرزاشیاب‌کرمانی - به نفع
تغییر سلطنت را داده بود. عموی دکتر
بقائی خودش از مبارزان مشروطیت بود.
خود دکتر بقائی بی‌دوره‌ها نزد هم‌اتحاد
زمانی که صحبت کردیم، یعنی تا بهمن سال
۲۷، جزوا اکثریت مجلس بود، یعنی به
کاستنه‌های ما عدو هژبروا شیبا رای موافق
داده بود و بنا بر این نقطه درخشانی ز نظر
سیاسی در کارنامه‌اش نبود، بلکه در مورد
اوتقاط ضعیفی هم وجود داشته. در حزب
دمکرات قوام السلطنه بود و در حزب اتحاد
ملی که بعد از شهریور ۲۰ تشکیل شده بود.
این سوابقش تا آن موقع.

مورد هم‌جه‌طور مستقیم و غیر مستقیم به
خط مشی و عملکرد بقائی استفا داشته است.

سپه‌دریک جمله در صفحه ۱۴۵ کتاب
در جلسه سوم، آیت به تکلیف بقائی را مکرر و
گذرا قائل به وجود چند نقطه ضعف است.!!
(توجه کنید اصطلاح "نقطه ضعف" به کار رفته)
در عملکرد بقائی آن هم تا قبل از بهمن
سال ۲۷ است (بعد از آن در این کتاب
آیت می‌گوید: "... تا بهمن سال ۲۷، بقائی)
جزوا اکثریت مجلس بود، یعنی به کاستنه‌های
ما عدو هژبروا شیبا رای موافق داده بود و
بنا بر این نقطه درخشانی ز نظر سیاسی در
کارنامه‌اش نبود بلکه در مورد اوتقاط
ضعفی هم وجود داشته. "... آیت بلافاصله در
جمله بعد برای آنکه ما با جمله فوق‌تری
منفی‌زده‌ن خواننده زد کتر بقائی به‌جا
بگذارد ما جمله‌ای عجیب از او نقل و
تکریم می‌کنیم و می‌گوید: "... ما بی‌سراسر
با نژده بهمن هما بطور که خواهیم دید
مردان به‌شجاعانه و ارمیدان شده ویرجم
مبارزه را علیه دیکتاتور در آن شرایط
سخت بلند کرد. ... (توجه شود که در تمام
آن دوران بقائی با یکی از بزرگ‌ترین
شکله‌های اطلاعاتی غرب یعنی استنلی
سروس همکاری داشته است.)
آیت در درسیه‌های فوق در تمام می‌موردی
که از بقائی نام می‌برد (به غیر از بعضی
مورد که نام او به‌طور گذرا مطرح شده) از او
تحلیل می‌کند و خط و راه او را صحیح‌ترین
عمل معرفی می‌کند.

۴- چهار سال قبل بیرونده سیاسی بقائی
باید استگیری و فوت او بسته شد و مشخص شد که
این فردا ز سال ۱۳۴۳ اجاسوس انگلیس بوده و
پس از مدتی به خدمت سازمان سیا هم درآمده.
و از آن زمان تا در استگیری یوسه خصوص در دوران
نهضت ملی شدن نفت خدماتش با شیبه‌آنها
نموده است. خدماتی که هنوز سیاسی را ز ابعاد
آن در برده‌ها بهما مقرر دارد.

۵- دکتر بقائی پس از پیروزی انقلاب
به‌طاهر در صحنه سیاسی حضور آشکارا یافت
ولیکن ضرورت دارد که عملکرد مخفیانه او
در جریان انقلاب و پس از آن به دقت
پیگیری شود.
مناسقا نه دکتر آیت با چنین ارتباطی

توضیحات

- ۱- بحث‌های مطرح‌شده در این کلاس‌ها به شکل مشروح در کتاب "تحت عنوان "درسیه‌های از تاریخ سیاسی ایران" منعکس شده و ۲۳۵ صفحه از این کتاب ۳۵۰ صفحه‌ای را به خود اختصاص داده است. بقیه مطالب کتاب مجموعه‌ای است از شرح زندگی و عکس‌های ایشان و مطالبی که دیگران در رابطه با ایشان بیان کرده‌اند، همراه با چند مطلب دیگر.
- این کتاب در مرداد ماه سال ۱۳۶۳ به مناسبت سومین سالگرد شهادت دکتر آیت از طرف مجلس شورای اسلامی تهیه و منتشر شده است. بقائی کتاب ۵۰۰ ربا است و از طریق وابسته‌های کتاب به حساب ۹۰۱۰۰ بانک ملی شعبه مجلس (کاربردازی) و ارسال اصل فیش همراه با برگ تقاضای کتاب به آدرس تهران ص ب ۱۳۱۸۵/۹۴۴ اداره تبلیغات و انتشارات مجلس شورای اسلامی قابل تهیه می‌باشد.
- ۲- مطالب و تحلیل‌ها بی‌کیفیت به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم به بقائی ارتباط دارد. حدود ۷۰ صفحه از این دروس را به خود اختصاص داده که به منظور تحقیق خوانندگان شما را این صفحات در جدول زیر ارائه شده است.

۱۴۴	۱۸۹	۲۲۳	۲۴۵	۲۶۹
۱۴۵	۱۹۰	۲۲۵	الی	۲۷۸
۱۵۲	۱۹۱	الی	۲۴۹	۲۸۶
۱۵۵	۱۹۶	۲۲۸	۲۵۱	۲۸۸
۱۵۶	۱۹۷	۲۳۰	۲۵۲	الی
۱۶۰	۲۰۳	الی	۲۵۴	۲۹۲
الی	۲۰۴	۲۳۵	۲۵۵	۳۰۰
۱۶۳	۲۱۶	۲۳۷	۲۶۰	۳۰۱
۱۶۶	۲۱۷	۲۳۸	۲۶۳	۳۲۶
۱۶۸	۲۲۰	۲۳۹	۲۶۴	
۱۸۶	الی	۲۴۴	۲۶۸	

شما ز صفحاتی که نام بقائی در آنها آمده است
۳- در صفحات فوق‌الذکر حدوداً ۳۰۰
بار را در کتر بقائی نام برده شده، که به
تحقیق (توجه کنید، به تحقیق) حتی در یک

آنچه در این مقاله از نظرتان می‌گذرد،
تحلیل شهید آیت از حرکت سیاسی دکتر
مظفر بقائی کرمانی است.

هدف از این بررسی مستند، صرفاً نشان
دادن این مطلب است که دکتر آیت حتی
پس از انتشار "و ستیا مساسی"، توسط
دکتر بقائی، یعنی در سال ۱۳۶۱ و چند وقت نامی
مواضع او را نسبت به ما سید می‌کرده، بلکه
شیفته و بوده و در هر قضیه‌ای عملکرد و
رهنمودهای او را ترجیح می‌داده است.
دکتر بقائی در سال ۵۸ در و ستیا مسه
سیاسی خود، مرحوم امام، مرحوم مطهری،
ارزشهای انقلاب و تمام شخصیت‌ها را زیر
سؤال برده و فقط از مرحوم آیت ...
کاتانی تحلیل می‌نماید، اما آیت در سال
۵۹ در درسیه‌های خود کوچک‌ترین انتقادی از
این موضع و نمی‌کند، در داور این است
که حتی انقلاب اسلامی با تمامی عظمتش
نتوانست آیت را از بقائی جدا نماید!
هدف از این مقاله، بررسی تاریخی
معاصر و تعیین صحت و سقم مطالب دکتر
آیت نبوده بلکه منظور ما اینست که
آیت از بقائی است و ریشه‌های آن به
خوانندگان و مسئولان حزب جمهوری اسلامی
واگذار می‌شود.

مطالب ذیل از درسیه‌ها تا ریح شهید آیت
برای طلب‌دستی در قم که در اوایل سال ۶۰
(چند ماه قبل از شهادت) بیان نموده،
استخراج شده و از چند نظر قابل دقت و
توجه است:

۱- اولاً، از آن جهت که مستقیماً سخنان
دکتر آیت بوده و نه نقل قول از ایشان.
ثانیاً، به این دلیل که "درسیه‌های"
ایشان بوده و مطالب آن فکری شده و از قبیل
با داداش و آما ده شده بوده و نه یک سخنرانی
فی‌البداهه و بدون آمادگی.
ثالثاً، مطالب انتخاب شده، تحلیل
سیاسی آیت از یک خط مشی و رویه سیاسی
است و نه تحلیل و تکریم توخالی و بی‌محتوای
محتوی از یک شخصیت.

به دلایلی که گفته شد و با توجه به دلایل
فوق‌الذکر بر مبنای تحلیل‌ها را که شده در
کلاس‌های فوق می‌توان در مورد شخصیت
سیاسی و خط مشی آیت نیز به قضاوت نشست.



بقایای در برپایی قیام سیتیرتا شیر فراوان داشت (آیت)

صفحه ۲۱۶ - جلسه پنجم

... یکی از افراد دیگری که تا شیر
فراوان در ۳۰ تیر داشت دکتر بقا سی بود که
آن اعلامیه شدند اللّٰح در مورد نظام مبارک
ما در کرد. چون اعلامیه خودش داستان
طولانی بعدها پیدا کرد که می‌شود یک کتاب
در باره اش نوشت. فعلا متن آن را می‌خوانم
و بعد در مطالب بعدی در مورد آن را
اعلامه بحث می‌کنم.

بقایای قاطعانه محا کمه قوام را دنبال می‌کرد

(آیت)

صفحه ۲۲۰ - جلسه پنجم

... یکی از انتظارهاست که
مردمان استند محاربات مسیح ۳۰ تیر راه
بود. آنجا که بعضی‌ها حتی چند نفر را کشته
بودند و مردم را زده است آنها عمداً می‌بودند.
انتظار می‌رفت که محاربات شوند. برای
آنکه این قسمت حماس را می‌خواندند
دکتر بقا که در گذشته مخصوص به بعضی از
تاریخ‌های سیاسی می‌نویسد می‌خواهم که
حلی در این مورد وقت کنید. یک قسمتی از
کتاب استعما را برایشان نقل می‌کنم.
افای رسنا می‌درکناس این مطالب را
می‌نویسد:

... ما آنکه ما مورس دکتر بقا سی
همه‌ها می‌کنند که سوخته‌ای ترسند دهند و
بدرقوام السلطنه برزند و او را به قتل
رسانند، بعد الکت دکتر مصدق مرا قست
می‌کرد.

... می‌گفت (قوام السلطنه): فلانی
سین چه مملکتی است من وطن فروش
ندها مویسدا بوالقاسم کا تا نی‌وطن برست
... من خائن ندها مویسدا بی‌خادم ...
... قوام السلطنه آنجا بود تا اطلاع
رسید که دکتر بقا سی قصد دارد عده‌ای به
خاندکتر استی‌هجوم کنند و قوام السلطنه
را بکشند.

... به دکتر قاطعی تلفن کردم که به
مصدق السلطنه بگوید، انتقال قوام
السلطنه با وجود "سپه‌ن برستان" که
دکتر بقا سی و کانا نی طرف افانسه
گذاشته اند خالی از اشکال نیست.
... بقا سی و ما برین فشار آوردند که
مما دره حوال قوام السلطنه عمل شود.

تا سن حکومت مصدق کارهای بسیاری انجام
داد و متحمله یکی کارهای مهم آن کشف
اسناد خاندان بود که خود اسنک تاریخ
بسیار مفصل دارد ۱۰۰۰ این اسناد وقتیکه
به دست آمد، همین دکتر بقا سی یک نسخه را
روی آن برای خودش فتوکی کرد و بقیه‌اش
را داد.

بقایای به شدت بنا پیشنها دبانک بین الملل مخالفت بود (آیت)

صفحه ۱۹۱ - جلسه چهارم

... روزها مدتها هد که ا رکان دکنر
بقا سی بوده به شدت با استنها داب با سک
بین المللی مخالفت کرده

بقایای استعما را شکست داد (آیت)

صفحه ۱۹۶ - جلسه چهارم

... بقا سی هم در روز ۲۱ تیر همان
سال (قبل از واقعه ۳۰ تیر) در نامه‌ای که
به حوزوهای حزب زحمتکشان می‌نویسد
می‌گوید:

"دکتر مصدق دست خائنین را بیار
گذاشته است. کاری انجام می‌دهد و می‌خواهد
بها نه جوسی کند و از کار برود کنار"
یعنی آنها هم اسن حدس را زده بودند،
اما به خاطر آنکه مدتها با سنی زرووی کار
آمدن قوام جلوگیری می‌کردند. شما می‌بیند
که دو عامل مهم باعث شد که قوام استعمار
موفق شوند، یک عامل وجود مجلس بود ...

مجلس با همست بقا سی می‌آرزای تشر را شروع کرد (آیت)

صفحه ۱۹۷ - جلسه چهارم

دکتر بقا سی می‌گوید: "وقتی من وارد مجلس
شدم، دندم که آن بیست و چند نفری که به قوام
رای شده اند دور هم جمع شدند، هیچ‌نفر سک
گوشه، هیچ‌نفر یک گوشه نشین و هر کدام دارند
راجع به نخست وزیر یک کسی بحث می‌کنند،
یکی می‌گوید، دکتر مودنی با بدختت وزیر
شود، یکی می‌گوید با فرزاده با بدختت وزیر
شود، هر کسی یک چیزی می‌گوید. من برای
جلوگیری از شدن صف بیعت همه را صدا
کردم و گفتم ما حرمصدق کس دیگری را قبول
نخواهیم کرد و یک چیزی به خط خود منو ستم
امضا کردم"

که اسن مسئله هم موجود است به خط دکتر
بقا سی و امضای دیگران، به هر حال مجلس از
اسن طریق مبارزات را شروع کرد.

قطع سیمهای برق توسط حاشریزاده)،
پرونده قطوری را که در جلوی گلشائیان بود
از جایین زبده و با همان پرونده، محکم‌بیر
فرق وزیر را بی‌کوبید.
نقل از کتاب نفت و نطق مکی

من (آیت) اینها را یک مقداری برای شما
می‌خوانم، چون هنوز هم که انقلاب شده شما
خواهید دید ۲۹ اسفند که روز ملی شدن نفت
است مثل با سال و سال ۱۳۵۷ که آقای
نزه‌گدایی رئیس نفت و به اصطلاح وزیر
نفت بود وقتیکه زملی کردن نفت بحث
می‌کرد اسمی از مکی و بقا سی و آیتا... کاتانی
نبرد.

بقایای ز اول به مصدق بدبین بود (آیت)

صفحه ۱۶۲ - جلسه سوم

... توسط حسن مکی اسن افلس (مکی
- بقا سی - حاشریزاده) با دکتر مصدق هم
ارتباط پیدا می‌کند، توضیح می‌دهم که
مخصوصا دکتر بقا سی نسبت به دکتر مصدق به
مناسبت سوا بقا سی که وی داشت بدبین بود
.....



روزنامه بقا سی، مرکز مخالفین رژیم آرا بود

(آیت)

صفحه ۱۶۶ - جلسه سوم

... رژیم آرا می‌گوید: "من روزنامه
را روی سردکتر بقا سی خراب می‌کنم. چون
روزنامه ما هدم مرکز مخالفین شده بود و چون
سوفت بود، خود دکتر بقا سی و مکی و روزنامه
را می‌فروختند.

بقایای بود که اسناد خاندان را کشف کرد (آیت)

صفحه ۱۸۶ - جلسه چهارم

... حزب زحمتکشان در ابتدای

بقایای پرچمدار شجاع مبارزه بی‌س دیکتاتور بود (آیت)

صفحه ۱۴۵ - جلسه سوم

... ما سی از با زنده بهمن همان طور که
خواهیم دید مردان نه و شجاعانه و اردمندان
ند و پرچم مبارزه را علیه دیکتاتور در آن
شرایط سخت بلند کرد.

بقایای در آن شرایط سخت با رژیم آرا درگیر شد

(آیت)

صفحه ۱۴۵ - جلسه سوم

(بقا سی) در مجلس با زنده متحصن شد
به علت اینکه امنیت ندارد، طولانی‌ترین
استیضاح دوران مشروطیت را در دوره پانزدهم
از دولت سا عدو در حقیقت از رژیم آرا کرد.

بقایای در آن شرایط سخت نشان داد که کیست

(آیت)

صفحه ۱۴۵ - جلسه سوم

... موضوع استیضاح چهره (بقا سی -
مکی - حاشریزاده) و به خصوص مکی اسن بود
که چرا آیت الله کا تا نی برخلاف قانون
با ز داشت شده و تبعید شده است. ... موضوع
استیضاح حاشریزاده و دکتر بقا سی، علاوه بر
اسن موضوع، مسئله تشکیل مجلس موسسان
و غیر قانونی بودن مجلس موسسان بود. در
آن شرایطی که می‌خواستند قانون اساسی را
عوض کنند و دیکتاتور را به وجود بیاورند
آنجا بی‌بود که هر جلی با بد خود را نشان
می‌داد.

چرا از زحمات بقا سی اسمی نمی‌برند (آیت)

صفحه ۱۵۹ - جلسه سوم

... شما بندگان و وطن پرست که از
ظرفی ز ترس هر روز بر سر دیوار انتخابات
دوره آینده‌ها جابه حضور در مجلس بودید
و از طرف دیگر وطن پرستی و شرافت آنها
اچاره نمی‌داد که در جلسه حاضر شده و با رای
خود لایحه الحاقی (قرا ردا الحاقی کس -
گلشائیان) را از تصویب بگذرانند، ناجار
در آن قهائی طرف آرا رتمان و در بیاع
مجلس مخفی می‌شدند. ... دکتر بقا سی مامور
بود (طبق قرا رقبلی با مکی حاشریزاده) که
در بیست سرگلشائیان وزیر را بی‌نیتند
و به محض تاریخ شدن با رلمان (درا سر



همان قوانین سازمان امنیت به وجود آمد. این از آن قانونهایی است که به قول همان دکتر بقا بی‌سای جنگیزی هم پیش آن لنگ می‌نهداخت

دکتر بقا بی‌سای هم به این قانون اعتراض کرده که قسمتی از صحبتهاش را در این کتاب می‌خوانیم، مفصل است ولی خوانندگی است و من برای شما از اینجا می‌خوانم (بخنان بقا بی‌سای در دو صفحه چاپ شده)

بقا بی‌آینده را پیش بینی کرده بود .

صفحه ۲۵۵ - جلسه ششم
بقا بی‌سای سحت می‌کند و پیش بینی آینده را هم می‌کند و می‌گوید: "ولی طبق این قانون آنها می‌کند و دشمنان مملکت را خرید کرده اند تا آنها را بخرند رفت به تبعید. بنده بیش از این ضروری نمی‌بینم که چنین چیزی عرض بکنم".
پیش تر گفته شد که در همین قماش بدماها نفر مطابق این قانون تبعید شدند

بقا بی‌با تقاضای تمدید اختیارات مصدق مخالفت کرد

صفحه ۲۴۶ لی ۲۴۳ - جلسه ششم
بقا بی‌سای از مخالفین دیگری هم دکتر بقا بی‌سای بود که یک نطق پنجاهم در مجلس کرد، و خیلی مستدل است آن هم در این کتاب (معا کما ت) هست در مذاکرات مجلس دوره هفدهم هم هست. از جمله اینکه می‌گوید:
(مشروع سخنان بقا بی‌سای در این قسمت چاپ شده است).

بقا بی‌در قتل افشار طوس هیچ دخالتی نداشت

صفحه ۲۸۸ - جلسه هفتم
بعد گذشته افشار طوس را در نزدیکی غاری که شهرت پیدا کرده بود در آن موقع به نام غار تلکوف کردند. از همان اول نام دکتر بقا بی‌سای را به میان آوردند که او می‌خواست ما کشتن افشار طوس نخست وزیر بشود و قاری هم از زبشت را دیومنتشر کردند و در روزنامه‌ها نوشتند که بله اینها بعد از اینکه افشار طوس را ربودند و رفتند خانه بقا بی‌سای . . . در حقیقت بعد از ۲۸ مرداد آنچه مسلم شد این که در باره در این کار دست داشته برای اینکه مسئله افشار طوس را

بی‌برونقشه را خنثی کرد

بقا بی‌نی‌خواست خون مردم پایمال شود

(آیت)
صفحه ۲۴۶ لی ۲۴۸ - جلسه ششم
در این قسمت نطق بقا بی‌سای به‌طور کامل نقل کرده و محتوای مطالب بیان شده را صریحا تا سیدی می‌کند و می‌گوید:
. . . در این صحبت (بقا بی‌سای) صریحا اشاره می‌کند که در حقیقت دولت می‌خواهد خون مردم را پایمال کند .

بقا بی‌جریان سی تیر را قاطعانه پیگیری می‌کند

(آیت)
صفحه ۲۴۹ - جلسه ششم
. . . البته دکتر بقا بی‌سای از زور نرفت و همین‌طور که ما هم خواهیم دید مرئوس از دولت سؤال می‌کرد که جریان ۳۰ تیر و تعقیب مسبین این روز چه شد؟



بقا بی‌مخالفت دیکتاتوری بود

صفحه ۲۵۱ - جلسه ششم
دکتر بقا بی‌سای تعریف می‌کند که مصدق که به من می‌گفت اختیارات می‌خواهم تعجب کردم گفتم: می‌گفت که با بقدر آزادخواه بوده، همشده ما از مجلس می‌زده، خودتی ما را در مجلس قبل با اختیارات مخالفت کرده بود، گفتم آخبر برای چی تو اختیارات می‌خواهی؟

بقا بی‌مخالفت قانون امنیت اجتماعی مصدق بود

(آیت)
صفحه ۲۵۲ لی ۲۵۴ - جلسه ششم
. . . یکی زقوا سینی که مصدق وضع کرد، قانون امنیت اجتماعی بود که پدر بزرگ ما زمان امنیت شده یعنی بعدها بر اساس

راه‌های هجدهم این ادعا در حالی است که دکتر بقا بی‌سای در دفاعات خود به سال ۱۳۳۰، می‌گوید: به‌سای رخت و ناچاه را نجات داده است محمدترکمان مورخ معاصر در این باره می‌گوید: "در زمستان ۱۳۶۴ . . . از دکتر بقا بی‌سای سؤال شده موردی را که در مدافعات خود می‌فرماید شدت و تاج شاه را نجات داده بدکدا می‌هستند؟ دکتر بقا بی‌سای جواب داد: جلوگیری از کودتای رزم آرا - علیه شاه، جلوگیری از جهت گرفتن شعرا و مبارزه درسی می‌شیر ما ه ۳۱ علیه شاه و در باره جلوگیری از اقدامات دکتر مصدق جهت تضعیف شاه و در باره . . . (کتاب اسرار و قتل رزم آرا - ص ۲۵) گویا این ساد اقدام که مربوط به بعد از سال ۲۷ است از نظر مرحوم آیت حتی نقطه ضعف هم نبوده اند .

بقا بی‌با هوشیاری مبارزه هیجان انگیزی را برای محاکمه قوام دنبال کرد

(آیت)
صفحه ۲۴۰ لی ۲۴۳ - جلسه پنجم
در این صفحات شهید آیت با توفیقی زاید الوصف به شرح سخنان و عملکرد دکتر بقا بی‌سای می‌پردازد، به علت طولانی بودن مطلب امکان نقل آن نیست. مطالبه مستقیم مطلب شگفتی شهید آیت نسبت به شخصیت دکتر بقا بی‌سای به خوبی نشان خواهد داد. گوشه‌هایی از مطلب را می‌آوریم:
. بهترین قسمتی که مثل این داستانهای هیجان انگیز است و از هر داستان هیجان انگیزتر است این قسمتی است که من برای شما می‌خوانم، توجه کنید. حرفها و دکتر بقا بی‌سای در دادگاه است. ما می‌روسم به یک جنبه بسیار هیجان انگیز که این را در لیم می‌خواهد خیلی توجه کنید. این را با دکتر بقا بی‌سای در دادگاهش در مورد ما جرای آن سال و آن روز شرح می‌دهد

. حالا بقا بی‌سای خودش شرح می‌دهد برای ایا م‌کردن آن طرفه این پیشنهاد را می‌دهد که بگوید ما اصلا نمی‌فهمیم که شما چی آوردید
. به هر حال دکتر بقا بی‌سای پیشنهادش را اصلاح کرده دوباره به شکل زیر مطرح می‌کند .

بقا بی‌نقشه مصدق در حمایت از قوام را خنثی کرد

(آیت)
صفحه ۲۴۴ - جلسه ششم
دکتر مصدق رئیس شهرت‌ساز را فرستاد که قوام را با لیم به خانه‌اش ببرد و از او حمایت کرد و با زدیدید که چگونه این نقشه دکتر مصدق را، دکتر بقا بی‌سای در مجلس

تعقیب نکرد و حتی در دادگاه می‌کند در ۱۳۴۰ تشکیل شده بود بقا بی‌سای می‌خواست صحبت کند روی مسئله افشار طوس، دادگاه ما منع شد که او در مورد افشار طوس بحث کند، آنچه که مسلم بود دادگاه برای نخست وزیر زاهدی بودند بقا بی‌سای

بر علیه بقا بی‌تبلیغات شدیدتی کردند

صفحه ۲۹۰ - جلسه هفتم
به هر ترتیب پس از کشته شدن افشار طوس چون تبلیغات شدیدتی علیه بقا بی‌سای شروع شده بود و او جز روزنامه چیز دیگری نداشت تلاش کرد که مجلس تعطیل شود و از تریبون مجلس استغاده کند، این بود که مجلس چند جلسه ای تشکیل شد و با زرد و خوردها این با را ز طرفداران دکتر مصدق، مجلس از اکثریت افتاد .

بقا بی‌به خوبی به اهداف مصدق واقف بود

(آیت)
. . . دکتر بقا بی‌سای گفته بود که دولت می‌خواهد مجلس را تعطیل کند و دکتر بقا بی‌سای و دکتر شایگان و با قراکظمی از طرف دولت تکذیب کرده بودند و گفته بودند به فکر مصدق هم خطور نمی‌کند که مجلس را تعطیل کند و حال آنکه در اینجا عملی شد، یعنی طرف ناچار شد دستش را رو کند

بقا بی‌جا ضربود از حقش بگذرد تا بلکه استعما ز مسلط نشود و آزادی بماند

صفحه ۳۰۰ - جلسه هشتم (آیت)
دکتر بقا بی‌سای هم که دولت او را می‌خواست به اتهام شرکت در قتل افشار طوس محاکمه و چه با اعدا می‌کند، او نیز به خاطر این که ما تعجریا تا تا بعدی و ما تع تسلط و استعما زگران بشود نا می‌ای خطاب به مصدق نوشت و اعلام کرد که حاضر است از زمان پندگی استعفا کند و یکسریه زندان مصدق برود، مشروط بر این که مصدق از انجام رفتار نامبرای انحلال مجلس خودداری کند



ده سالی که گذشت...

مصاحبه با مهندس میثمی

به مناسبت دهمین سالگرد انتشار راه‌ها

بر نمی‌دارند. فقط سخنرانی‌های امام را بکجا رجا می‌کردند، ولی آن را بی‌گیری نمی‌کردند. مگر در موا رسی خاصی که منافعشان را بجا می‌کرد. نشر راه‌ها در این رابطه هفت مقاله با عنوان روش شناختی ما خمینی، و ۱۲ شماره در راه‌ها هفت مقاله مضمونی منتشر کرد. وقتی ما مضمینی (ره) می‌گفت ما دوتا عقل و دوتا شرح داریم، یکی حسینی و دیگری غیر حسینی، به نفع جناحها نبود که آن را بی‌گیری نما بند. تا قضیه با سلام، آمریکا یا سلام محمدی (ص) کشید.

در این رابطه هم مطبوعات بی‌گیری نکردند و حالا هم نمی‌کنند. مطلب دیگر، تا ریحما صریح مخصوص نهضت ملی بود که به چند دلیل روی آن مقاله می‌نوشتیم.

اول نثار زبده لگویا تقصا د خود کفای بدون تکیه به نفت بود که در نهضت ملی بوجود آمد. هم آزاد دی بود، هم استقلال و هم حاکمیت قانون اساسی انقلاب مشروطیت، هم مبارزه با استبداد بود و هم مبارزه با استعمار.

دوم جلوگیری از تحریف تاریخ بود. عده ای تلاش می‌کردند که تفسیرهای تاریخ معاصر را به صورت قطب بندی‌های کاذب استراتژیک در آورند و روی روند سالم انقلاب اثر منفی بگذارند. حتی در کتب درسی مدارس و دانشگاهها تحریفهای زیادی منعکس شده است. این تحریفها و دروغها خیلی‌ها را نسبت به مسئولین سابق عثمانی می‌کنند.

سوم معرفی دستهای مرموز و نهضت ملی و جبهه در انقلاب اسلامی بود که حتی به صورت شبکه‌ها و وابسته به غرب عمل می‌کردند. به عنوان مثال کاروی شبکه مرموز دکتر مظفر بقایی، حزب زحمتکش و سایر شبکه‌ها و وابسته به غرب است. بعد از دستگیر شدن آنها اطلاعاتی که در دسترس بود برای انگلیس و آمریکا جاسوسی می‌کرده است. مددوا رسم بیرونده و برای ملت افشا شود.

معتمد بودیم گروهی دستهای مرموز کار جدی نبود، در کنار آن می‌بود با غریب‌زگی و غریب‌گرای می‌مبارزه کرد و این جریان را اصلاح نمود. ولی متاسفانه حتی بعد از تصرف لانه جاسوسی نیز جناحهای سیاسی داخلی برخورد حقیقی نبود، ولی در مورد شبکه‌های جاسوسی و وابسته بی‌گیری نشد. بطوری که برخی از آنها برای زکودنا هنوز در آورده اند. در این زمینه‌ها دهها مقاله نوشته شده است. متاسفانه مطبوعات در این زمینه نه تنها کوتاهی کردند، بلکه برخی به مخدوش کردن حقایق هم کمک می‌کردند. یکی هم راه درست مبارزه با التقاط بود. در این مورد اساس سیاست حاکم مبارزه با التقاط بود. آن هم به روش غلط. نه کسی تعریف صحیحی از التقاط می‌کرد و نه راه نجات از آن را ارائه می‌داد. بطوری که

کارمند رسمی شرکت نفت بودم با آن مخالفت شد. لذا به لحاظ کارهای همیشه فعال بود و طلب بودم و همواره موا نفعی هم موجود داشت.

● سؤال سوم: در آن مقطع - سال ۶۰-۵۹ - نشریات متعددی منتشر می‌شد. شما چه مسائلی را می‌نوشتید که نسبت به آنها متما بر بود؟ اصولا چه رساله‌ها و نشریه خودتان دنبال می‌کردید؟

مهندس میثمی: در آن زمان همه گروهها بی‌کدر انقلاب شرکت داشتند، ما هم درگیر بودیم. در حالی که گروه عاقبت طلب ضد استبداد و خرنده یستهای گلیدی نظیر گزینشها و مراکز اطلاعاتی و دساتنی را اشغال می‌کردند.

بعدها در سال ۶۲ ما مضمینی این جریان را به عنوان "سلام شاهنشاهی" معرفی کرده و به تصفیه آنها همت گماشتیم. ما از زمان تاسی نشریه روی این مسئله کار می‌کردیم و مجموعه مقالات نشریه در این مورد، تحت عنوان "تسلط جاسوسی از حرکت و انقلاب" به چاپ رسیده است. در رابطه با جنگ تحمیلی، آن را یک توطئه کمب دوسودی می‌دیدیم. در این رابطه در شماره اول راه‌ها هفت مقاله در زمینه کمب دوسودی در منطقه را به تفصیل معرفی کردیم. سعی ما هم این بود که نشان دهم محتوا انقلاب اسلامی، آزادی قدس است و لذا کمب دوسودی آن حمله کرد. در طول جنگ تلاش کردیم تا توجه هم‌را به رعایت این اهداف در شیوه‌ها و خط می جنگ جلب نمایم. به همین دلیل به جنگ درازمدت با شیوه‌ها ی خود کفای و متکی به نیروها ی بسیجی و طلب و غیر متکی به درازمدت نفت و سلاح مدرن معتقد بودیم.

در طول جنگ با شیوه‌ها ی جاری برخورد فعال کردیم و در جمع بندی عملیات و ریشه‌یابی نا رسا شیوه‌ها و ضربه‌ها مطلب می‌نوشتیم. به خصوص در ریشه‌یابی پذیرش زهرنا مه ۵۹۸ چندین مقاله به رشته تحریر در آمد.

در رابطه فقها ما مضمینی (ره) شاهسید بودیم هیچکدام از مطبوعات و حتی گروهها و احزاب منسوب به خط امام مقدم مشتملی

کار اجرا بی‌نبرد اختسد؟ آیا خودتان به این کار اشتیاق ندا شدید یا اینکه موانعی وجود داشت؟

مهندس میثمی: نظر من این بود که همه نیروها با یستی آنچه در توان دارند خدمت انقلاب تعمیق و تداوم آن به کار بگیرند. خود من هم در سال ۵۷ در درگیریها و نظرها شرکت می‌کردم. در اعتصاب روحانیت در دانشگاه، در راه هیما سی تا سوغا و عا شورا و... تا ۲۲ بهمن شد. پس از بیروزی هم در آنها ددا دستا نی انقلاب به ریاست آقایها دوی و در آنها دسیاه با سازان به فرماندهی آقایها دوش و آقایها دوش غرضی فعال بودیم. برنا مه ما این بود که با کشف و دستگیری تشکیلات ساواک به شبکه‌ها و موساد و تالیجنت سروسی در ایران برسیم. تکیه زیاد روی مبارزه با دستهای مرموز و این شبکه‌ها داشتیم که متاسفانه دستگیری ما و اکیها متوقف شد. همزمان با این فعالیتها در تمام مراحل جنگ با تحریک طلبان گنبد شرکت فعال داشتیم. پس از تصرف لانه جاسوسی آنجندرتوان داشتیم، در جهت با روری این حرکت به کار ندا ختمیم. البته کار اجرا بی در نظرماندا شتم.

جنگ تحمیلی در شهریور ۵۹ شروع شد. در تماس با آیت الله خا منه ای که آن زمان نما بنده ما مدرنبروها ی مسلح بودند، و با اعلام ما دگی، ایشان گفتند که نیروی نظامی ندا زه کا فی‌دا ریم، سعی کنند به لحاظ سیاسی و تنبیین جنگ فعال شویند که خوددا ستا نی جدا در، در پی تومیدایشان و شهید درجا بی خودوسی مقاله به اسم "ذوا لانوار" تدوین کردیم که در روزنامه اطلاعات به سرپرستی جت الاسلام دعای منتشر شد.

خود من و دوستانم به جبهه رفتیم. من سه ماه اول جنگ در هوا زماندم که آن نیز داستا نی جدا گاندا در. از آنجا که رابطه نفت و جنگ بسیار حساس شده بود، من در این زمینه تخصصی ندا شتم، تقاضای اشتغال مجدد به کار در شرکت نفت نمودم. با وجود اینکه

او خراسال ۱۳۵۹ که کا بنینه شهید رجا بی‌برسکار بود، مهندس میثمی در جهت تاسیس نشریه اقدام کرد. در اردیبهشت ۱۳۶۰ پروانه تاسیس راه‌ها هجدهم صادر شد. در آبان ماه همان سال اولین شماره منتشر گردید.

یک سال از شروع جنگ گذشته بود. عراق بخشهایی از خاک کشورمان را در اشغال خود داشته و نیروی هوایی هم هر روز مسئله‌ای در داخل کشور بوجود می‌آورد...

● سؤال اول - آقای میثمی در آن سالهای اول انقلاب روزنامه‌های متعددی منتشر می‌شد. چه مسئله‌ای موجب گردید که شما به فکر نشریه افتادید؟ آیا مطبوعات آن زمان کافی نبود؟

مهندس میثمی: پس از بیروزی انقلاب بهار را دیدیم. هرچرا بی‌یک نشریه با تریبون آزاد ندا اشتا ما به جای اینکه از این فرصت به منظور تها هم‌و حل اختلافات استفاده شود، به بیرخاش و برچسب زدن علیه یکدیگر پرداخته می‌شد. هر روز نامه‌ها مجله‌ای منحصرا مطالب خود را منتشر می‌کرد حتی آقای دکتر یزدی موقعی که نما بنده امام در روزنامه‌ها می‌نویسند، در سال ۵۹، طی مصاحبه‌ها گفتند که همه نیروها خودشان تشکیلات دارند و روزنامه‌ها دارند و حرف خودشان را با یید در آنجا بزنند. ما اکیها متعلق به خط امام است و موظف نیست که نظریات دیگران را منعکس کند.

هرکس با بد حرف خودش را بزند و از حساب خودش خرج کند. (مصاحبه ۵۹/۲/۹ کیهان)

این احساس به من دست داده بود که روزنامه‌ها ی انقلاب حالت فرا گیری خود را از دست داده اند. البته تا دوسال پس از بیروزی انقلاب نشریه‌ها ندا شتم. نظریات خود را با مسئولین دلسوزا انقلاب در میان می‌گذا شتم و عتدا د متقابل هم بود. در اکثر موا رده‌ها بی‌بیشنها دها برخورد فعال می‌شد. ما متوجه شدیم که به مسائل سیاسی ایدئولوژیک و بنیادای انقلاب در مطبوعات و تشکیله‌ها پردا ختنه نمی‌شود. البته بعدا هم که آیت الله خا منه ای در مقام دبیر کلی حزب جمهوری اسلامی مصاحبه کردند، بدین مضمون گفتند که بیلان کار ایدئولوژیک حزب تقریبا صفر بوده است. لذا درصدد برآمدیم که در این جهت گامی برداریم. در زمان کا بنینه شهید رجا بی‌بود که امتیاز مجله‌ها را تقاضا نمودیم.

● سؤال دوم - با توجه به مشکلاتی که بعد از بیروزی انقلاب وجود داشت چرا شما به



گفته می‌شد! اتفاقاً فکری خود یک جرم است، بدون اینکه عملی صورت گرفته باشد. تشریح در این راه قدمها زیبا دیدار است. می‌توان به جرات گفت یکی از علتهای اصلی نفعال جوانان جهت گیری حاکمیت بر ضد اتفاق و بی نتیجه بودن آن بود. اما خمینی (ره) در بیبا محج ۶۷ در جمع بندی عمل کرده ساله، در باره نظریات جوانان و اندیشمندان جا صد خطاب به روحانیت گفتند: نمی‌شود عواطف و احساسات معنوی و عرفانی آنرا نادیده گرفت و فورا انگ اتفاق و انحراف بر نوشته‌هایشان زد... و گفتند که: به جای برخاستن و کنسار زدن آنها با روحه بیداری و الفت با آنان برخورد نکنید. اگر قبول هم نکردند ما بیوس نشوید در غیر این صورت خدا اینا کرده به دام لیبرالها و ملی‌گراها و باجیب و منافقین می‌افتند و گناه این کمتر از اتفاق نیست، که به نظر می‌رسد تجدید نظری نسبت به سیاستهای اعمال شده، بود. در همین رابطه با هوا داران ساده اندیش رجوی به لحاظ فکری برخورد می‌کردیم و انحراف ایشان را به زبان خودشان توضیح می‌دادیم. در مقابل آن، همین به موارد دیگر اتفاق اشاره می‌کردیم از جمله به اتفاق سیستماتیکی که حوزه‌های علمیه یا با غرب دارند و اینکه منطق یونانی غربی را بطور کلی نفی می‌کرد و همه چیز می‌ماند و اصول فقهران تحقق منطق ارسطو است و سعی دارند همه چیز را با اصول فقه تفسیر کنند. در رژیم سابق مطبوعات ما عادت کرده

در انقلاب وجود داشته و نیز توطئه‌هایی را که بر ضد آن صورت گرفته، بر شمریم. حتی بسیاری از این توطئه‌ها را پیش بینی کرده ایم. به عنوان مثال می‌گفتیم اگر جنگ به نفت و سلاح مدرن متکی شده و بسا نیروهای مستقل برخورد حذقی شود، جنگ حتما به سراغ ما مطلوبی نخواهد رسید. با نگاه به ۴۶ ساله گذشته این مسائل را می‌توانید ملاحظه کنید. ضمناً فهرستی موضوعی زکلیه مقالات ۴۶ ساله تهیه شده که منتشر می‌شود.

● سؤال چهارم: در این ده سال فعالیت مطبوعاتی آیا هیچ مشکل قانونی پیدا نکردید؟

مهندس میثمی: اولاً سعی می‌کردیم مطالب را در کارها قانون اساسی بنویسیم. لذا در هیچ موردی از جنبه قانون به ما برخورد نکردیم. فضا را عمدتاً از طریق غیر قانونی وارد می‌آمد. در این ده سال حتی یکبار هم وزارت ارشاد دبه ما اخطاریت نگرفته است. بر اساس قانون جدید مطبوعات نیز زیر و نه ما مجدداً ما در دستور سمیت بیشتری یافت. از آنجا که در تشریح مقاله‌ها می‌پردیم به انجمن فدیه، آیت الله خراسانی، مظهر بقایی، احساس نراقی و دستهای مرموز در نهضت ملی و انقلاب اسلامی می‌نوشتیم، طبعاً فضا را به سراغ دادند. حتی پیش بینی می‌کردیم که فضا را این عواطف با رداشت هم بشویم.

به عنوان مثال قبل از هشتاد و علنی اما خمینی، آیت الله خراسانی در دفاع می‌کردند. در همین رابطه بر ضد اینها، تب هم گونه آنها ماتنا صواب و تهدیدهای مختلف را از می‌کردند. مثلاً روی منبر می‌گفتند: «نشریه میثمی کور را مثل خودش کور می‌کنیم...» و یا می‌گفتند: «ریشه اش را بسوزانند.» در

می‌گفتیم اگر جنگ به نفت و سلاح مدرن متکی شود و بسا نیروهای مستقل برخورد حذقی شود، جنگ حتماً به سرانجام مطلوبی نخواهد رسید.

بودند که به سالگان دربار ارتش و ساواک نبرد از زند. حتی در جریان انقلاب در توافقی که مطبوعات با شریفی ما می‌کردند به این سه محور اشاره شده بود. مثلاً نه مطبوعات پس از انقلاب نیز ناآگاهانه نقیاس می‌کردند و چنین خود سا سوریه را در مورد جنگ، دستگامه‌های اطلاعاتی، ولایت فقیه و ارگانهای مشابه برقرار می‌کردند. از این طریق ظلمی تاریخی به انقلاب اسلامی جمهوری اسلامی شد. ما بر اساس اصول دین اسلام، اصول انقلاب قانون اساسی با نظام جمهوری اسلامی برخورد می‌کردیم و معتقد بودیم که از طریق تقویت اصول انقلاب و حفظ جمهوری اسلامی می‌توان نظام را اصلاح کرد و با آن برخورد نمود. در یک جمله سعی می‌کردیم رشدی را که

طی ماهها زداشت اینجانب نشریه را خود را ادامه داد. طی این ده سال هیچگونه وقعه‌ای پیش نیامد. از ابتدا متیاً زمان هفته‌ها می‌بود و بعد هم با اجازه وزارت ارشاد ماها نه منتشر می‌شد و بعد هم دو ماه یکبار.

● سؤال پنجم: با توجه به این فشارها و کارشکنی‌هایی که وجود داشت چگونه به شما

اگر روزنامه‌های یکثیرا لانتشار مطالب اساسی و بنیادی‌تر را که ذکر شد مطرح کنند نشریه را تعطیل می‌نمایم.

اجازه انتشار نشریه دادند؟ و علاوه بر آن با وجود این تحولات و تلاطمهای ده ساله اخیر چگونه دوام آوردید؟

مهندس میثمی: اولاً در مورد احزاب و انتشار نشریه با بدعوض کنیم نیروهای انقلاب در ابتدا خیلی قوی بودند. ما هم به اصطلاح جزو نیروهای انقلاب محسوب می‌شدیم و کسی سوا بق ما را منکر نمی‌شد. گذشته از این مسئولین امر آشنای نزدیک با ما داشتند. نظیر شهید درجا سی سخت وزیر و آقای دوزدوزانی وزیر ارشاد وقت و شهید بهشتی و سایرین. علاوه بر این دلیل اصلی قانونی هم برای مخالفت وجود نداشت. مدارک لازم را هم ارائه دادیم و اجازه گرفتیم. در این ده سال هم زحمتها را نداشتیم و توصیه شد که فلان مطلب را بنویسید و نه سا سوریه صورت گرفت. تصویری که برخی وزارت ارشاد به عنوان سا سوریه‌چرا راندها و اقمست تطبیق نمی‌کند.

در مورد علت استمرار نشریه، عرض کردم که ما از زنده‌های انقلاب صحبت می‌کردیم. و توطئه‌ها را هم به تفصیل می‌نگاشتیم. پیش بینی‌ها هم در مورد حجتیه، شرع‌مداری، بقایی، نراقی... عمدتاً درست در می‌آمد. یکی هم وفاداری ما به اسلام، انقلاب، قانون اساسی و اما خمینی (ره) بود. دستهای مرموز هم نه منطق داشتند قدرت که نسبت ناپاکشان را در مجرای قانونی به کار ببندند.

در اولین انتخابات نماینده مطبوعات که در وزارت ارشاد برگزار شد، ۷ نفر نیز انتخاب شدند تا تعاونی مطبوعات و کارتون مطبوعات را ایجاد نمایند. من هم مورداً عمداً در گرفته‌ام. جز ۷ نفر انتخاب شدم. مدت ۲ سال در این جهت فعال بودم. در طول کار نشریه می‌داشتیم از اینرا دتوهین و برجس خودداری کرده و مسائل را به شکل معرفتی و دلسوزانه مطرح کنیم. از دو قطبی کردن کاذب بیهوده داشتیم و در اعمال ما لحرور هم شرکت فعال می‌کردیم که شرحش را دادیم. ناگفته نماند در این مدت ده سال بک سری خطوط خاصی که بر شمردم بگیری می‌کردیم. وجه بارز نشریه هم سیاسی بدلولوژیک بود و از جهت رجوب خودمان هم خارج شدیم. لذا در استمرارش نشریه به صورت یک جریان فکری مطرح شده است. یک مسئله دیگر که با بدعوض کنیم این بود که وقتی فشار محدودیت زیاد می‌شد چه

به لحاظ اجتماعی وجه امکانات، خط مشی محدود کردن را به جای تعطیل انتخاب می‌کردیم تا فرصتی برای گشایش بوجود آید. مثلاً توزیع در شهرستانها به علت این فضاها قطع شد، ما به جای تعطیل به توزیع در شهران بسنده کردیم.

● سؤال ششم: امروز شما دیدیم که نشریات

متعدد و تکراری زیاده‌داری را در حال چاپ و مطرح شدن است، شما این پدیده را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ پیشنهادتان برای بهتر شدن این وضع چیست؟

مهندس میثمی: به نظر من به دو دلیل نشریات زیاده‌داده اند:

یکی اینکه اجرای قانون احزاب عملاً به حال تعطیل درآمده، مگر در مورد جریانهای خاص.

دوم اینکه روزنامه‌ها آن سه صدر و فراگیری لازم را نداشته و نظریات همه جریانها را منعکس نمی‌کنند. لذا هر ما حسینظری در مورد نشر مستقل افکار خود بر آمده و از این طریق روابطی هم ایجاد می‌گردند که تا حدی خلا احزاب را بر می‌کند. پیشنهاد من به مسئولین ارشاد همیشه این بوده که اگر روزنامه‌ها اینمنتسب به انقلاب حالت فراگیر پیدا کرده و منعکس کننده همه نظریات باشند، ما سا تعدد نشریات فلسفه وجودی نخواهد داشت و از هزینه‌های فایزوا صرف جلوگیری می‌شود. خود من اولین دا و طلب این موضوع هستم. اگر روزنامه‌های یکثیرا لانتشار مطالب اساسی و بنیادی‌تر را که ذکر شد مطرح کنند، نشریه را تعطیل می‌نمایم.

والسلام



حریق

آسمان،
گوهه‌ها بر

گوهه‌ها بران، باران

چگونه تشنگند؟

با حریق که بر فروخته

از سینه من

۱۳۴۶ م آرزو



از آنجا شبکه اخبار و اطلاعات صحیح (کما هی - هما نظور که هستند) تحلیلها را با رور مینماید، بر آن شدم مجموعه ای از اخبار مهم را در بخشی از نشریه که به اینکار اختصاص داده ایم، درج نمائیم. اهداف مورد نظر ما در اینکار عبارتند از:

- ۱- کمک به با روری تحلیلهای سیاسی نیروهای مکتبی.
- ۲- دادن بینش استراتژیک از رویدادهای ایران، منطقه، جهان.
- ۳- کمک به پیدا کردن دید استراتژیک از مراحل رشد خلق، اصول امپریالیسم. ضمناً " راه مجاهد با این اخبار برخورد فعال میکند.

کرده است اینک چه شده است کسانیکه به نام اسلام عزیز کشورها یوسع اسلامی با این همه ذخایر و امکانات ما دیو معنوی حکومت میکنند، این انداز در مقابل کفر جهانی خودیافته و دلنشینند به نحوی که برای ادامه چند روز حکومت یونانی خود شرف و حیثیت خود و ملتشان را میفروشند؟؟

در صورتی که خداوند قادر متعال در آیات کثیره از قرآن کریم از موالاد دوستی با کفار رواهل کتاب نهی کرده و فرموده است: "وان تصبروا وتتقوا لایضركم کیدهم شیئاً" (لندن: با لار شهیدان و سرور آزادگان حضرت سیدالشهدا (ع) از رسول خدا (ص) نقل میکند که آن حضرت فرمود: "من رای سلطاناً جائراً مستحلاً لحرام اللهنا کتلاً لعهد الله مخالفاً لرسول الله (ص) یعمل فی عیاد الله لا لثموا لعدوان فلم یغیر علیه یفعل ولا قول کان حقاً علی الله ان یدخله مدخله الحدیث".

سکوت مسلمانان و مردم آزاد جهان در مقابل این رسوایی بزرگ موجب سخط خدا و لعن و نفرین آنگنان که خواهد بود. اینک که ملت مظلوم فلسطین برای احقاق حقوق خود و نجات قدس عزیز قسام کرده است و هر روز شهیدانی در این راه مقدس تقدیم می نمایند، بر همه مسلمین واجب است آنان را در این جبهه مقدس به هر نحو ممکن یاری کنند و نگذارند زبانیهای سیاسی جرائزین نهضت مقدس را خاموش نماید آنچه به زور گرفته شده جز به جبهه دوز و زور به دست نمی آید. و در این میان بیش از همه ملت مسلمان ایران و به خصوص حوزه های علمیه قم و مردم شریف و مباح را بزم که با نگاه انقلاب اسلامی است با بدیهاتین وظیفه مهم توجه نماید، وان شاک الله زمینه پیا دهن شدن وعده امام صادق (ع) بر حسب روایت بخارا لانسوار مرحوم مجلسی را فراهم نماید (ج ۵۷ ص ۲۱۶ طبع بیروت).

والسلام علی جمیع اخواننا المسلمین ورحمه الله وبرکاته.

۳۰ محرم الحرام ۱۴۱۲م - ۱۳۷۰/۵/۲۰
قم- حسینعلی منتظری

با این وسایل و با همه وسایل ممکن باید با توطئه جاری مقابله و ازنا شیران مانع به عمل آید، به هر تقدیر مسئله فلسطین یک راه حل بیشتر ندارد و آن تشکیل دولتی فلسطینی در تمام سرزمین فلسطین است.....

بیا حضرت آیت الله العظمی منتظری به مناسبت کنفرانس صلح خاور میانه

این پیام از سوی دفتر آیت الله العظمی منتظری برای نشریات و روزنامه های متعددی ارسال شده بود ولی هیچیک از روزنامه ها آن را تا این لحظه (تا ریخ تنظیم خبرنامه) منتشر نکرده اند.

بسم الله الرحمن الرحیم

با ایها الذین آمنوا لاتخذوا الیهود و النصارى اولیاء، بعضهم اولیاء بعض، ومن یتولهم ینقلبون الیه و ان الله لایهدی القوم الظالمین. فترى الذین فی قلوبهم مرض یمارسون فیهم یقولون نخشی ان تصیبنا دأثره فعیسی الله ان یتالیفنا او امر من عنده فیصبحوا علی ما اسروا فی انفسهم نادمین. (الما تده ۵۱-۵۲)



(آل عمران ۱۲۰)

امریکا یجها نخوا ر که به دعوت سران سرسریده، منطقه خلیج فارس را رسماً اشغال نظر می کرد و به گشتارها و تخریبهای وحشیانه دست زد اینک با احساس بیروزی نظامی و نداشتن رقب خود را قیم منطقه فرض کرده و بر ای کشورهای اسلامی نقشه های خطرناک طرح می کند، و از جمله تصمیم دارد با تحمیل یک کنفرانس فرما بشی به نام صلح، به اسرائیل غاصب - این فرزند نامشروع استعمار - شرعیت سیاسی بدهد و سران خود فروخته را بر سر میز مذاکره با اسرائیل ببرد. امریکا از یک طرف اسرائیل را در جنت بیتها و آدم کشیها و توسعه طلبیها و حتی تولید سلاحهای خطرناک آزاد می گذارد و کمکیهای کلان خود را در اختیار آن می گذارد، و از طرفی به نام حمایت از صلح منطقه کشورهای اسلامی را خلع سلاح و محدود می کند.

خداوند، اسلام به پیروان خود درس ایمان و استقامت و عزت و فداکاری می دهد و این همه فداکاری رومردانگی و شهادت در راه حق را تا رینجا ز مسلمانها شایسته و ضبط

کیهان ۲۷/۷/۷۰

قسمتی از پیام آیت الله خا منهای کنفرانس حمایت از انقلاب فلسطین در تهران

امریکا در صدد است مشکل خود و صهیونیستها را حل کند

امروز یکبار دیگر یکی از آن لحظه های سرنوشت ساز در پیش است و یکی از آن امتحانهای عمومی مانده، مسئله این است که امریکا در بحبوحه آنچه بیرونیها بیس از پایان جنگ سرد نامیده می شود و به برکت سکوت زعب آمیزی که بر برخی کشورهای این منطقه حاکم گشته و با تکیه بر حضور نظامی غاصبان در خلیج فارس در صدد است مشکل خود و مشکل صهیونیستها را غاصب راحل کند. اسرائیل از سوی اعراب به رسمیت شناخته شده و عیبه فلسطین برای همیشه بایان یابد.

ترفند امریکا برای جلوگیری از خیزش اسلامی

دشمن در صدد است فلسطین را یکبار از زیر گردنهای اسلام جدا کند و شرعه ملعونه صهیونیسم را در خانه مسلمین مانند گارسازد امریکا در صدد است با تشبیت رژیم اشغالگر همه سر رفته های زندگی در این منطقه حساب را به دست گیرد و خود را از تنگنای خیزش اسلامی در خاور میانه و فریقا نجات دهد. دشمنان اسلام می خواهند همه کینه دیرینه خود با اسلام و شکتیایی را که در سالهای اخیر بر اثر شیداری مسلمین تحمل کرده اند در اینجا جبران کنند....

صهیونیستها با ید در هیچ جای جهان احساس امنیت نکنند

مهمترین علاج توطئه امریکا در داخل سرزمینهای اشغالی و در دستا ن نیرومند مبارزان فلسطینی است. لیکن همه مسلمین موظفند در این جبهه شرکت جسته و کمکیهای مالی و سیاسی و اطلاعاتی و تجهیزاتی را به سوی آنان سرازیر کنند. ملت فلسطین با ید احساس تنهایی نکند، صهیونیستها و کسانیکه شکتی و گشتار رقیب از آن فلسطینی منتسب به آنهاست با ید در هیچ جای جهان احساس امنیت نکنند، صندوقهای پشتیبانی و هسته های کمک به فلسطینیان مبارز با ید در همه جای عالم و از سوی دولتها و ملتتها تشکیل شود. تحریم اقتصادی دولت غاصب و به رسمیت نشناختن آن وظیفه همه دولتها ی مسلمان است و ملتها با ید در برابر این مسئله حساسیت نشان دهند و

نگاه‌های به‌کنفرا نسس صلح‌خا ورمیا نسه

بسی از جنگ خلیج فارس سیاست‌خارجی آمریکا روی‌حل مسئله‌اعراب و اسرائیل متمرکز شد. در این رابطه چندین ماه‌جیمز بیکروزی‌ریخا رجا آمریکا به منطقه سفر کرد تا نقطه‌نظرهای کشورهای عربی و اسرائیل را به یکدیگر نزدیک کند. در این میان موضع کشورهای عربی برای شرکت در کنفرانس صلح بسیار نرم و مسالمت‌آمیز بود، در حالی‌که اسرائیل سرسختانه با تشکیل کنفرانس تا اجرا ای‌تمام شروطش مخالفت می‌کرد. کشورهای عربی بدون شرط حاضر به شرکت در کنفرانس بودند، هرچند که مسئله اجرائی قطعاً مه‌ها ۲۴۲ و ۳۳۸ سازمان ملل برای آنها مهم بود. شروط اسرائیل این بود که کشورهای عربی و اسرائیل بطور جداگانه با یکدیگر مذاکره کنند و محور مذاکرات نسس حل مسائل اقتصادی منطقه و مسائل نظامی مانند کنترل تسلیحات بود. ضمناً یکی از شروط مهم اسرائیل عدم مذاکره با صوباً هرچرا نی‌که به ساف مربوط شود، و عدم مذاکره با فلسطینی‌ها ی شرق بیت المقدس بود، چرا که اسرائیل بیت المقدس را پایتخت خود می‌داند. پیشنهاد اسرائیل این بود که فلسطینی‌ها در ترکیبی با هیئت اردنی در مذاکرات شرکت کنند، هدف این بود که با جریا نی‌که معتقد به ایجاد یک کشور فلسطینی است مذاکره نکرده و آن را به رسمیت نشناسد. اسرائیل معتقد است فلسطینی‌ها با بدرار دن زندگی کنند.

شرط دیگر اسرائیل این بود که گفتگوها ی جداگانه با کشورهای عربی داشته باشد در حالی‌که اعراب مخالف این شرط بوده و می‌خواستند کنفرانس اعراب و اسرائیل تشکیل شود. لذا اسرائیل این شرط را مطرح کرد که در کنفرانس دستور کار خاصی نماند و صرفاً نشستن اعراب و اسرائیل بر سر میز مذاکره باشد. هدف اسرائیل این بود که با شکستن قبح مذاکره اعراب و اسرائیل آنها حاضر به مذاکرات جداگانه با اسرائیل شوند. موضع آمریکا در مقابل کنفرانس صلح این بود که با توجه به راه‌های آمریکا به منطقه خلیج فارس و تسلط بر جاهای نفت منطقه، این کشور به مقصود هدف خود رسیده بود، چنانچه تشکیل اسرائیل نسس در راستای همین هدف بوده است.

حال که آمریکا به هدف خود، یعنی تسلط بر منطقه و جاهای نفت رسیده است، دیگر دلیلی وجود ندارد که بطوریکه چانه‌بخواهد از اسرائیل حمایت نماید. بنا بر این شما تلاش‌های آمریکا این بود که اسرائیل را به پای میز مذاکره بکشانند و آن طرف هم برای رضی‌کردن اعراب، قول گرفتن زمین از اسرائیل را به آنها می‌داد، مقدمات رضی‌کردن اسرائیل این بود که آمریکا عملاً نشان داده که امنیت اسرائیل را

تضمین می‌کند و این کار را با متلاشی‌کردن بزرگترین و قوی‌ترین ارتش عرب که همان ارتش عراق باشد، صورت داد. ضمن اینکه ضربه بزرگ اقتصادی، نظامی و مالی به همه کشورهای عربی وارد آورد و آن چنان در موضع ضعف قرار گرفتند که تا مدت‌ها خطری جدی برای اسرائیل به‌شمار نمی‌روند. همچنین آمریکا دائماً خود را به صورت نجات‌دهنده کشورهای عربی ز شرور همی‌طلبی‌های عراق نشان داده و از آنان امتیاز می‌گیرد. در طرفت و آمدهای بیکر شروط اسرائیل به تدریج تحقق یافت، فلسطینی‌ها قرار شد در ترکیب با یک هیئت اردنی به کنفرانس بیرونند، دستور کار مشخصی نسس برای کنفرانس در نظر گرفته نشد. کنفرانس

از نظر فلسطینی‌ها اسرائیل یک منطقه جنگی است و هر یهودی‌یکه وارد اسرائیل می‌شود یک عنصر نظامی محسوب شده و باید کشته شود. لذا گشتن مهاجرین یکی از راه‌های موفق برای مبارزه با اسرائیل است.

ما در بدست‌تشکیل شد. عمده سخنرانی‌ها در این کنفرانس در جهت ایزارا میدوار نی‌ست به حل مسائل خارجه و زمانه نبود. تا می‌ریس از سخنرانی خود به بیان شرکت در مراسم مذهبی‌شده می‌دوان، کنفرانس را ترک و به اسرائیل رفت، تنها سخنرانی‌شده اللحن بر علیه اسرائیل از سوی روق الشرع وزیر خارجه سوریه صورت گرفت، و بی‌نشان دادن عکس اردوران جوان‌ها می‌که توسط دولت انگلیس به عنوان تروریست‌ها ثبت شده بود، تا میرا یک تروریست خوانند. در زمان سخنرانی‌شرع هیئت اسرائیلی‌کنفرانس را ترک نکرد. پس از مه‌حل مقدماً نسس تضمینی‌که در بیان کنفرانس گرفته شد، مذاکرات جداگانه اعراب و اسرائیل بود که هیئت‌های مختلف عربی بطور جداگانه وارد مذاکره با اسرائیل شدند تا بتوانند محل وارد مذاکرات آینده را با یکدیگر مشخص کنند. در این مرحله اغلب کشورهای عربی به توافق با اسرائیل نرسیدند و هدف اسرائیل از مذاکرات جداگانه یا هر یک از کشورهای عربی این است که اولاً بسن مواضع اعراب اختلاف و جدا بی‌بیان‌اند، ثانیاً بحث با هر یک از این کشورها به اختلافات و دوطرف محدود شده و در این میان تنها مسئله‌ای که مدنظر قرار نخواهد گرفت، حل مسئله فلسطین به عنوان یک کشور مستقل خواهد بود.

اسرائیل در صدد حل اختلاف خود با کشورهای عربی‌خالی‌کردن پشت فلسطینی‌ها از سوی دولت‌های عرب است.

هدف دیگر اسرائیل از این مذاکرات وارد کردن اعراب به لغو تحریم اقتصادی اسرائیل و شکوفایی اقتصاد این کشور است. بوجود آمدن امنیت در بی‌صلح‌های اعراب و تسویق بیهودیان جهان برای مهاجرت به اسرائیل و تا مین آب رژیم صهیونیستی به کمک کشورهای عربی از انگیزه‌های دیگر اسرائیل است.

مسئله درخور توجه در سیر کنفرانس موضع آمریکا بود که به اسرائیل پیشنهاد دادن زمین در مقابل صلح، و به اعراب نیز قول اجرائی قطعاً مه‌ها ۲۴۲ و ۳۳۸ سازمان ملل را می‌داد. و حتی برای وارد کردن اسرائیل به شرکت در کنفرانس صلح کمک یک میلیارد دلاری خود را به تعویق انداخت و برای دادن کمک شرط شرکت اسرائیل در کنفرانس صلح را پیش کشید، احتمالاً اعراب نیز با تکیه بر این موضع آمریکا (دادن زمین در مقابل صلح) به شرکت در کنفرانس رضی شدند.

با بدر نظر داشت مواضع آمریکا در سیر تلاش برای برگزای کنفرانس صلح نشان دهنده بروز اختلاف بین آمریکا و اسرائیل می‌باشد، به نظر می‌رسد صهیونیست‌ها ملل

اکنون به منافعه خود در خارجه و زمانه نه دست یافته است، اولاً صهیونیست‌ها چیزی نیست جز اندیشیدن به سرما به‌های جهانی و فرا ملیتی‌ها و این تزی می‌تواند خود را در چهارچوب یک کشور و با منافع محدود و عقاید مذهبی (اسرائیل) محدود کند و به منافع جهانی خود می‌اندیشد. حال اگر اسرائیل ما نسس سرسره‌ها بس منافع صهیونیست‌ها بین الملل حاضر است فشارها بی‌را برای کشور وارد نماید. در جریا ن تلاش برای برگزای کنفرانس با رها بوش مورد حمله نما شدگان با رلمان اسرائیل قرار گرفت و سخنان شدیدالحنی بر علیه او ایراد شد. حتی او را ضعیف‌تر استند و شامیر هم گفت چیزی که آمریکا از ما می‌خواهد نفتی‌یکی از اصول صهیونیست‌ها است.

الیه این نکته را نباید از نظر دور داشت که آمریکا به فکر حفظ موجودیت اسرائیل در یک محدوده مشخص است و سعی می‌کند از نا بودی بس کشور جلوگیری نماید. آمریکا بر سر انتخاب دوره‌ها به‌بود تدریج منطقه بود. راه حل بدتر آن بود که با توجه به بتا نسیل بسیار قوی اصول گرای اسلامی و رشد انگیزه‌ها ی صهیونیستی در منطقه با سال جنگ ایران و عراق و قدرت بزرگ اتمی و نیما بی‌عراق و با توجه به اینکه عراق شعارهای یخدا اسرائیلی سر می‌داد (و می‌توانست با ایران به صورت یک قدرت نفتی در منطقه درآید، منافعه غرب در معرض تهدید جدی قرار بگیرد، آمریکا با باید در مقابل این مسائل سکوت کرده و نظاره‌گر نا بودی اسرائیل از طریق رادیکال‌سیم اسلامی شود و با اینکه تراطی بوجود آورد که در آن اعراب و اسرائیل حاضر به مذاکره با یکدیگر شوند. لذا زمینه‌های بس امر را فراهم نمود. راه حل بد برای آمریکا این بود که فعلاً موجودیت اسرائیل را در یک کار محدود تری حفظ نماید. هرچند که حفظ این موجودیت در مقابل دادن زمین به

اعراب و رشد تها ده‌ها یخالی اسرائیل باشد. به نظر می‌رسد آمریکا زمینه‌جینی حمله عراق به کوبیت را (با به اشتباه انداختن صدا مه و وسیله استفاده از غنا صرحا سوس خود در هیئت حاکمه عراق) فرا هم‌کرد تا بتواند بزرگترین خطر نظامی در منطقه بر علیه اسرائیل را از زمین ببرد، با توجه به اینکه رهبران بسیاری کشورهای عربی نیز در کنفرانس بغداد بدرستری عراق به بمب‌اتمی صحه گذاشته بودند و دلایلشان هم دستری بسد بمب‌اتمی از سوی اسرائیل بود. آمریکا ضمن نا بودی توان نظامی عراق، نفت منطقه را نیز در کنترل خواهد گرفت و کشورهای عربی را نیز به موضع ضعف و بی‌وفی گشا ندو شرایط را برای اسرائیل در مذاکرات صلح فرا هم نمود.

در عین حال آمریکا سعی دارد در جریا ن مذاکرات صلح تها ده‌ها یخالی اسرائیل نیز تشدید نشود. تا بد بتوان گفت حضور شامیر به عنوان نخست‌وزیر اسرائیل از حزب لیکود که از حزب افراطی اسرائیل و معتقد به رسیدن به ارض موعود و مخالف دادن زمین است، در کنفرانس، برای کاهش تها ده‌ها یخالی اسرائیل باشد. زیرا شامیر و برزیه حزب کارگر، جناح صبا نسس و دولتمردان اسرائیل که خواهان حفظ نظام اسرائیل و صلح اعراب هستند و صلح در برابر زمین را قبول دارند، اگر این جناح در کنفرانس شرکت می‌کردند احتمالاً با مخالفت حزب لیکود در داخل اسرائیل مواجه می‌شد.

حال با شرکت مخالفان زمین در مقابل صلح، به نظر می‌رسد بحران جدی در نظام اسرائیل پیش نیاید. هرچند که حزب لیکود هنوز شدیداً در مقابل این طرح‌ها و مست می‌کند.

برای فرا طبون اسرائیل حفظ زمین مساوی حفظ ثورات است که وعده رسیدن قوم یهود را به سرزمین موعود می‌دهد، و معامله بر سر آن، معامله بر سر ایدئولوژی و دینشان می‌شود. ولی برای صهیونیست‌ها و آمریکا اینها ارض موعود یک اندیشه فلسفی و مذهبی است که وارد سیاست شده است و غرب علاقه‌ای به ربط سیاست با دین ندارد. عرصه سیاست از نظر آنها عرصه مسائل کارشناسی است و نه اعتقادات مذهبی. آنها زمانی که کشور اسرائیل را تشکیل دادند از این انگیزه مذهبی بی‌بودن برای منافع خود سو استفاده کردند بدون اینکه خودشان واقعا به این مسائل معتقد باشند.

به هر حال آمریکا و صهیونیست‌ها بین الملل به راه حل بد زمین به جای صلح روی آورده‌اند تا بدین وسیله در برابر موج پنا دگرای

۱- عراق برای حل مسائل داخلی خود که پس از پایان جنگ با ایران با آن روبرو شد شعارهای انقلابی می‌داد تا بتواند اعراب و مردم عراق را به سوی خود جلب کند. و بدین وسیله بتواند تها ده‌ها یخالی نماید.

مجتهد جامع الشرایط

سخنرانی آیت الله العظمی منتظری در ملاقات با مردم

بسم الله الرحمن الرحيم

در این ایام من باب نماز جماعت را در مسائل الشیعه مطالعه می‌کردم. روایتی را برخوردیم که این روایت را بیت عجبی است از احتجاج طبرسی نقل می‌کنند و متاسفانه دیدیم این روایت مربوط به مسافران و روحانیان است و وقتی که دیگران اشکالاتی عیبی در ما هست می‌گویند چرا خودمان نگوئیم اصلا همیشه با بیست واقعیات را به مردم گفتیم این اشتباه است که مسائل اجتماعی عیوسی، اقتصاد، روزگار مردم مخفی بدارند. من یاد ما است سابق به آقا با من می‌گفتم وقتی که می‌بینید در ادبوی لندن عیبها را می‌گویند چرا خودمان نگوئیم، بگذاریم آنها بگویند. خوب خودمان بگوئیم. ما که معصوم نیستیم. چیزهای مؤمنان را خودمان باید بگوئیم.

دقت در مورد شناخت روحانیون

این روایت از آنجا بی‌که در مورد ما می‌شوند، مردم متدین همیشه اعتماد و اطمینان نشان به علما و روحانیان است. اینجا حضرت علی بن الحسین مطابق این روایت نکات را ذکر می‌کند. و در معرفی می‌کند و به مردم گوشزد می‌کند که خلاصه بیست کلاه سران نرود. دین انسان همه چیز انسان است دنیا می‌گذرد. ولی دین وسیله سعادت انسان است. کسی که شما می‌خواهید دینتان را، ایمانتان را، همه چیزتان را وابسته به چنین شخصی کنید. خیلی با بدر انتخابش دقت کنید. آخر حدیث حضرت می‌فرماید: به یک کسی که این شرایط را دارد تمسک کنید و چنگ بزنید و اعتماد کنید. مردم چاره‌ای ندارند جز اینکه بناها را پیدا کنند و...

حدیث از امام (ع) است. حالا من حدیث را مختصر برآوردم و برادران می‌خوانم شرح بنا طول نکشد. مختصر می‌خوانم. می‌شود. احتجاج طبرسی در احتجاجات و فرمایشات امام جعفر علی بن الحسین کتاب وسایل الشیعه، شیخ جعفر عاملی در جلد پنجم وسایل در نماز جماعت باب با زده عمده حدیث را نقل می‌کند. یک قدری تطبیق کرده. هم‌طور که سبک صاحب وسائل است. اینجا احتجاج بنظور دارنده سندی که گذشت با استناد مقدمه ذکر و عین الرضا علیه السلام ندرتاً به ما مرفیضا می‌رساند. آن‌ها قال علی بن الحسین، اما مرفیضا فرمود: حضرت علی بن الحسین امام چهارم بنظور فرمود: علی بن الحسین فرزند امام حسین است. شهادت امام حسین و جنایاتی که کردند بناها همه را دیده و دیده است که

بعضی مثل شریح قاضی‌ها بی‌ثرب بودند. اثر داشتند در این جهت.

به ظاهرا فراد اعتماد نکنید

قال علی بن الحسین (ع): اذا را بتم الرجل قد حسن سمتة وهدیه، وتمامت فی منطقه وتمامت فی حرکاته فریودا لایغرنکم. اگر دیدید یک مردی را که راهش به ظاهر را خوب است. هدی هم همین معناست. اگر کسی روشش روشن خوبی است یعنی به حساب ظاهر روش خوب است. حسن ظاهر را در تمامت و تمامت فی منطقه، در سخن گفتن هم خودش را به موش مردگی می‌زند. تمامت یعنی آدمی که خودش را به موش مردگی می‌زند. بعضی یواش حرف می‌زنند، به موش مردگی می‌زنند. چه آدم‌ها وضع و خا شایسته است، می‌گوید اگر دیدید کسی روش ظاهرش خوب است در سخن گفتن هم موش مردگی درمی‌آورد و تمامت فی حرکاته، در حرکاتش هم خضوع و خضوع (دادار) بلکه محکم الله و خیلی کرنش می‌کند. دولاوراست می‌شود... که ظاهر خیلی خوبی نشان می‌دهد. می‌فرماید: فریودا، صبرکن. لایغرنکم، بیبا گولش را نخوری. این موش مردگی‌ها سبب غرور شما نشود. دین و ایمانت و همه چیز خود را به و نسپار. البته این معنایش این نیست که حالا ما بیایم با او در بیفتیم. معنایش در افتادن نیست این مسئله تمسک است. آخر حدیث مشخص می‌شود، کسی که مردم می‌خواهند عقایدشان، دینشان و ایمان و رفتنشان را

تمایلات افراد متفاد است

بعد می‌فرماید: و اذا وجدتموه، اگر دیدید که یک آدمی زمال خرا هم برهیز می‌کند، امتحانش کردیم دیدیم نه زمینه خرا هم پیش آمد با زهم نرفت خیلی مشکل است. این روایت تکلیف آدم را مشکل می‌کند. و اذا وجدتموه یعف عن المسال الحرام، از مال خرا هم عفت به خرج می‌دهد زمینه‌اش را درست کردید، دیدند. از مال خرا هم خود را ری کرد. با زهم می‌فرماید: فریودا لایغرنکم، صبرکن، گولت نزنند که همه چیزتان را بخوابند تحویل جنین آدمی بدهید، چرا؟ می‌فرماید: فان شهوات الخلق

وقتی که دیگران اشکالاتی، عیبی که در ما هست می‌گویند چرا خودمان نگوئیم، اصلا همیشه با بیست واقعیات را به مردم گفت...

مختلفه. مردم خواسته‌های مختلف و شهوات و غرایز مختلفه دارند، با یک آدمی زمال خرا هم برهیز می‌کند، اما فرض کنید یک زنی ولوزن زشت و کوبیده‌المنظری گیرید یا مرد نمی‌تواند خودش را نگاهدارد. در عمل جنسی خودش را نمی‌تواند نگاهدارد.

ضعف در غریزه جنسی

فما اکثر ما یبتوا عن المال الحرام وان کثره و یحمل نفسه علی شوا قبیحه فیا تی منها محرما. خیلی آدمها هستند از مال خرا هم برهیز می‌کنند. اما دست با لایمی‌گیریم اگر زن زشتی هم ببینید می‌رود سراغ زن. دست بردار نیست. در آن جهت این آدم ضعیف است. قدرتی که خودش را حفظ کند، ندارد.

ارزیابی عقل افراد

بعد می‌فرماید: و اذا وجدتموه یعف عن

ذلک. اگر امتحان کردید و دیدید، نه انظر زن هم خودش را لوم نمی‌دهد. حفظ می‌کند. باز می‌فرماید: فریودا لایغرنکم حتی تنظروا ما عقده عقله. با زهم دنیا بید تسلیم صدر صد جنین آدمی شوید. گولتان نزنند. نگاه کنید ببینید و عقلش در حدی است. با آدم خلی است. درست است سراغ مال خرا موزنا نمی‌رود. ولی یک عقل حسابی که خودش و دیگران را بتواند اداره کند، این اندازه را ندارد. می‌فرماید: حتی تنظروا ما عقده عقله. نگاه کنید آن بسته عقلش جدا اندازه است. فما اکثر من ترک ذلک اجمع. می‌فرماید: چه قدر زیاده‌اند که مال خرا موزنا می‌کنند. کار زنا و محرمانه است بطوری راهم مرتکب نمی‌شوند. اما نم‌لایرجع، الی عقل متن، یک عقل محکمی ندارد، می‌خواهد خدمت کند، خراب می‌کند. فیکون ما یفسد بجهله اکثر ما یصلحه بعقله. یک جنین آدمی اگر بخوابد برود تحت امر او آن چیزی را که به واسطه عقل کمش فاسد می‌کند. بیشتر آن چیزی است که اصلاح می‌کند. چون اهل تدبیر و اهل عقل و اهل دانش نیست. عقل خیلی مهم است. خلاصه با آدمی خیلی خشک مقدس است. سراغ کارها موزشتی نمی‌رود. اما می‌خواهد اصلاح کند، خراب می‌کند. یک جنین آدمی هم نشانی شما دین و ایمان و عقایدتان را به جنین آدمی بزنید و وابسته کنید. بعد می‌گوید: و اذا وجدتموه عقده متینا. اگر دیدید که زهم نرفت خیلی مشکل است. نه سراغ مال خرا موزنا می‌رود. عقلش هم خوب است. با زهم می‌گوید: فریودا لایغرنکم، با زهم صبرکن. با احتیاط عمل کن، گولتان نزنند.

را بطنه عقل و هوای نفس

نفس

تنظروا مع هوائه بكون علی عقله ام بكون مع عقله علی هوائه. آدمی که عقل و دانش دارد یا با این عقلش غالب بر هوای نفسش، غالب بر عقلش است. و کف محبتت الی با سات الی با طله و زده فیها ببین این جدا اندازه به ریاستهای باطل، مقامات باطلی که هلس نیست. حقیقت نیست، ریاست حق دارم، باطل هم دارم. بیامیر زعم مسلمین است. ائمه ما سات المسلمین هستند. ساتمندان بتدگاند. علمای به حق، اینها ساتمندان به حقد. اما ساتک کما نی هستند که اگر کدخدای ده بشود. عرش را سر می‌کنند و دین و ایمان را می‌فروشند. که کدخدای تک ده بشود. با فرمائید تاراجی بشود. با مقامی پیدا کند. می‌گوید: و کف محبتت الی با سات الی با طله. ببین جدا اندازه ریاستهای باحق را دوست دارد؟ و زده فیها، و جقدر سیر غیبت در ریاست مقام است. فان فی الناس من خسر الدنیا و الآخره بترک الدنیا للدنیا. در مردم کسانی هستند که خسار الدنیا و الآخره هستند چندان را برای دنیا ترک می‌کنند، سراغ مال نمی‌رود. سراغ زن و زندگی و خانه و... نمی‌رود. به زده و با بنظور چیزها و می‌رود. برای اینکه توی



یکی از دوستان نزدیک احمد خمینی است. اما او در سال ۱۹۷۷ همانیت خود را از احمد خمینی قطع و آن را متوجه دیگر اعضا و دفتر رهبر شیعیان کرد.

در سال ۱۹۸۵ اعلام شد حسن کروی بیدریک توطئه مشترک با جمشیدها شمی با برخی از آزادشاهی‌ها (اطلاعاتی انگلیس ارتباطات منکوک داشته و او در حال حاضر مشغول گذران دوران حبس ۷ ساله خود در تهران است).

قریبا نی فرودر مورد ارسال اسلحه از اسرائیل به ایران می نویسد: اسرائیل این سلاحها را بر اساس منافع منطقه ای خود به ایران فرستاد و ایران نیز نمی دانست که این لوازم از کجا آمده است.

قریبا نی فرودر این مقاله، خود را فردی معرفی کرده است که در خلال سالهای ۱۹۸۲ و

۱۹۸۶ به عنوان میانجی میان اسرائیل و مقامات ارتشکام خفیه در دوران ریگان، برای آزادی چهار گروگان امریکایی در لبنان تلاش کرده است.

مصاحبه اولیور نورث در مورد ماجرای مک فارلین

سلام ۷۰/۸/۴

آیا آنها در تهران با هیچ هیئت عالی رتبه یا متوسط ایرانی ملاقات کردند یا نه گفت: ما به هیچ وجه با کسی ملاقات نکردیم، منوچهر قریبا نی فریه ما وعده داده بود پس از ورود به تهران باها شمر فرستخا نی رئیس مجلس ایران ملاقات خواهم کرد، ولی ما در انتظار چنین ملاقاتی باقی ماندیم. وی قریبا نی فریه را به عنوان رابط اولیه برای تماس با ایرانیا معرفی کرد و گفت: قریبا نی فر از سوی دولت اسرائیل به ما معرفی شده بود. اولیور نورث گفت: "پس از ورود به تهران هیچکس به دیدار آنها نیامد و پس از مدت نسبتا طولانی تحمل گرمای طاقت فرسا، تماس تلفنی برقرار شد و قریبا نی فر به همراه عده ای دیگر وارد شده و هیئت امریکایی را به وسیله تعدادی تومبیل فرسوده به هتل هیلتون بردند. ولی مسئله قابل توجه آن بود که همه هنگام ورود هیئت امریکایی به سالن انتظار فرودگاه مهرآباد سالن خالی

بشود، بلکه می گفتند اصلا امکان ندارد بیخدا وجود داشته باشد، چرا که همه انسانها خدا جویند و این چیزی است که در بر تویی از قرآن نیز موم می زند که مرحوم مظالم لقا نی ویزگی نشان را عاشق بودن، خدا جویند و بعد اصطلاحا طلب بودن، می دانند. واقعا اگر اول انقلاب این جهان بینی امام متحقی پیدا کرده بود که همه انسانها خدا جویند و به فقه و راهنمای عمل تبدیل شده بود و به فتوا در آمده بود، وضع خیلی بهتر بود، منظور منی شد که وزارت خارجه ما جزوه ای به این عنوان بدهد که دوستان ما کجا نند و دشمنان ما کجا نند بعد بگوید دوستان ما آنها هستند که با خدایان اهل کتابند و دشمنان ما آنها هستند که بیخدا بند. خوب طبعاً با این فرمول ما در کنار کفید بویسد قرار می گیریم، چون هم مسلمانها پیش اهل کتابند، هم یهودیها پیش و هم مسیحیها پیش و بالاخره به طور خزاننده به رهبری امریکا هم میرسیم.

این یک ریشه بیخدا که چرا انقلاب به این صورت در آمده است. آقای محتشمی (وزیر کشور سابق) در دا نگاه صحبت کرده و می گویند امریکا می خواهد هر طریقی مثل برنا مهجا مورا در نیکاراگوئه در ایران بسازد یعنی واقعا در محاسبات سیاسی شان فکرمی کنند که اگر آزادی سیاسی باشد

مخالفتی برنده اند، یعنی انقلابی که همه مردم در آن نقش داشتند در ذهن مسئولین اینطور تصویر شده است که اگر آزادی باشد انقلاب از دست می رود. اما ما با رهبا به مسئولین می گفتند که اگر شما مردم را از دست بدهد هیچ کار نمی توانید بکنید. اگر مردم قبل از ۲۲ بهمن بسج نشده بودند، نمی توانستیم از تفادهای خارجی استفاده بکنیم، و امیربا لیس را کج بکنیم. از ترنر رئیس سیا در کنگره امریکا پرسیدند که چرا انقلاب ایران بیرون بود؟ در جواب گفت اطلاعات ما نمان کم بود. بعد گفتند اگر همینطور است با بیسار تعطیل کرد. بعد اعتراف عمیق تری کرده و گفت به قدری شتاب انقلاب در ایران زیاد بود و به قدری اطلاعات می رسید که کامپیوترهای ما را کج کرده بود و اصلا قادر به ارزیابی نبودیم. چنین انقلابی که توده ها در حرکتشان شتاب داشتند و این شتاب موجب شده بود که دشمن، ارتش امریکا و انگلیس واقعا کج شوند و تحلیل درستی از ایران نداشته باشند، حالا به جا بر سیده که مسئولین مترقی ما می گویند یک عده می خواهند ایران را جمهوری کنند و با اینها بات از آمدن مثل نیکاراگوئه و کما کمک امریکا، اکثریتی را تشکیل بدهند و انقلاب را از دست عده ای دیگر در بیارند.

بقیه زمزمسج توده ها

می گوید البته به نقطه ضعف هم اشاره کرده است و این یک تحول است، به نظر من آنچه که انقلاب ما را از وجه توده ایاش کم رنگ و نا حدی بی رنگ کرده همین شیوه مبارزه با انتقاط بود که ما را نا خود آگاه به دام جتیندا انداخته و بیخدا را واک علیه سروها و اسلامی انقلابی برداد. شعاری که محتبه می داد، شعاری بود که انگلیس در مالزی و کشورهای دیگر به کار برد، و موفق شده بود. الحمدا... یک تحولی پیدا شد و اسد واری به آن عمل نمود.

● خا طره ای از مرحوم طالقا نی در مورد ما رکسیم

در ادامه علت کم رنگ شدن نقش مردم در انقلاب علاوه بر شعرا رهبا ز به انتقاط خا طره ای هم از مرحوم طالقا نی در ام بعد از انقلاب در مدرسه رفاه (بیت موقت امام) مرحوم طالقا نی بودند و مبارزین لبنان از گروه اول اسلامی آمده بودند و قایرا نشان سخنرانی می کردند، مرحوم طالقا نی بیشتر سیاسی و چند نفر دیگر بودند. از ایشان در مورد ویژگی اما می پرسیدیم، ایشان



نگذشته و با توجه به نقش دکتر بقایی و تشکیلات و مرتضین او در ایجاد قطب بندیهای کاذب جه در نهضت ملی وجه در انقلاب اسلامی، اقدام بیکیبرانه ای انجام ندهند. سمع امت شهید پرور و شهید داده برسانند. مسلمان این کارگام بلندی استدر جهت استقلال ایران و یکسازی تحریفات امپریالیزم. ابتدا است که مسئولین آموزشی مملکت و به خصوص جامعه مدرسین عملکرد دکتر آیت در تعداد آموزشی را هم مورد بازنگری قرار دهند.

همسالها در زندان رفت و مباره کرد.

برخیها در نظر گرفتن رابطه تنگاتنگ آیت و بقایی معتقدند که آیت تا آخرین لحظه با بقایی را به طبع تشکیلاتی داشته ولی آنچه برای ما مسلم می باشد این است که او شیفته شخصیت و مواضع بقایی نبوده است. با توجه به مستندات فوق (که نه شایعه بود و نه نقل قول) و با توجه به مطلب اعلام شده توسط جمهوری اسلامی در مطبوعا تعداد برجاسون بودن دکتر بقایی، ما از مسئولین تقاضا داریم که از این مسئله ساده

۰۰۰ آیت شیفته بقایی بود کودتا مظلوم واقع شد و بعد از کودتا چه رنجها که نکشید (آیت)

صفحه ۲۶ - جلسه هشتم ۰۰۰۰ (پس از کودتای ۲۸ مرداد) دکتر بقایی که اینجانبه خاطر مصدق حاضر نبود استعفا بکند و آنها می گویند کودتا چی و

در اولین سالگرد رحلت امام خمینی، (ره) مراسم در محل موسسه اسلامی زنان برگزار گردید.

در این مراسم مهندس مینمی مطالبی را ایراد کرده که مشروح آن در ذیل می‌آید:

مطلب زیر که تحلیلی از سیر حرکت انقلاب اسلامی است در سه بخش به نظر خوانندگان می‌رسد.

بخش اول - رمز بسج توده‌ها.

بخش دوم - تضادهای درون انقلاب، دور مشروطه - مشروطه.

بخش سوم - دستاوردهای انقلاب را نباید منقول آموزشهای جاری کرد.

و اینک قسمت اول:

"اللهم عرفنا من الحق فحملنا دوما قصرنا عنه قبلنا ه، بارالها آنچه که ما از حق معرفت کسب کردیم موجباتی فراهم آورد که بتوانیم آن را در صحنه عمل بسازیم." با دعا می‌شروع می‌کنیم که مرحوم طالقانی به ما یاد دادند و گفتند برای حل مشکلات ایدئولوژیک روی دعا یا فتاح کار نکنیم. اللهم (پروردگارا) وما عرفنا من الحق فحملنا ه (آنچه که ما نسبت به حق معرفت پیدا نکردیم موجباتی فراهم ساز که بتوانیم به عمل درسیا ورسیم) وما قصرنا عنه قبلنا ه (و آنچه که ما نسبت به آن، در سیر عمل آن را به ما برسان).

این دعا بیست که مرحوم طالقانی خیلی تکه‌ها شنیدند و در سال ۵۲ ه من گفتند: این دعا (فتاح، مشکلات ایدئولوژیکتان را حل می‌کند، وقتی که به عمق آن بیسی می‌برسم، می‌بینیم که سرنگام ما هدین و ما رزین را می‌گوید که هر کسی در یک مقطع زمانی نسبت به کارها و اعمال صالحی می‌زند و یک نقطه قوتها و ضعفها پیدا کرد، از خدا می‌خواهد که خدا با ما اینجا رسا ندیم، خودت بقره را تکمیل کن! امروز در رابطه با اولین سالگرد گذشت امام خمینی (ره) سه مطلب را مطرح می‌کنیم: الف: بسج توده‌ها، ب: دور مشروطه - مشروطه. که این دور در انقلاب اسلامی نیز وجود دارد و راه حل آن، ج: چند نکته در مورد دستاوردهای انقلاب و دستاوردهای فقهی امام.

الف- بسج توده‌ها

● سیدجمال و بسج مردم

در سال ۵۱ من در زندان شیراز بودم، برادرمان آقای مهندس سعابی هم آنجا بودند من کتابی از آقای محیط طباطبائی می‌خواندم، در رابطه با سیدجمال لدین اسدآبادی و اشکالاتم را از آقای مهندس می‌پرسیدم.

ایشان می‌گفتند که سیدجمال ثلاثی کرد که روسای کشورهای اسلامی را قانع کند تا اصلاحی بکنند ولی موفق نشد، ایشان آن موقع معتقد بودند که حرکت امام خمینی قبل از ۱۵ خرداد دو بعد از آن سبب در آن را ستا بوده که مردم به صحنه بیایند و توده‌ها بسج شوند و بدین لحاظ مترقی‌تر از حرکت سیدجمال بود.

● حنیف نژاد و بسج مردم

مرحوم حنیف نژاد هم با مطالعه کتاب مرجعت و روحا نیت در سال ۴۱ به این نتیجه رسیده بود، شهید مطهری در آنجا مطرح می‌کنند: روحا نیت شعه عوام زده است و روحا نیت اهل تسنن دولت زده، حنیف نژاد با توجه به این تحلیل می‌گفت: ما با بدعمل صالح را کشف بکنیم و به کمک آن عمل صالح مردم را بسج بکنیم، راه حل بسج مردم را کشف عمل صالح و جانبازی روی آن می‌دانست، بعد می‌گفت: روحا نیت در رابطه با مردم است، در رابطه با عوام است و در رابطه با محرومین است و وقتی که مردم بسج شوند روحا نیت دویخ می‌شود، از آنجا که در روحا نیت فرهنگ انقلابی، فرهنگ تشیع و فرهنگ امام حسن (ع) وجود دارد یک بخشی از آن را و در بسج می‌شوند و تعالی می‌دهند و پیدا می‌کنند و بسج را هم تعالی می‌دهند و دامنه آن را گسترده می‌کنند، یک بخشی هم در مقابل بسج مقاومت می‌کنند، ولی آنها در ادامه مبارزه منزوی می‌توانند.

خلاصه فرمول او هم برای بسج مردم کشف عمل صالح بود، با استفاده از تحلیل شهید مطهری از روحا نیت (برای مطالعه بیشتر به کتاب "از عوام زدگی تا بسج مستضعفین" مراجعه شود.)

● دکتر شریعتی: باید

از مردم شروع کرد

اخیرا نوار اسلام‌شناسی دکتر شریعتی

رمز بسج توده‌ها
(سخنرانی مهندس مینمی در سالگرد ارتحال امام خمینی)

را که در حسینیه ارتا صحبت کرده بودند، گوئی می‌دادم، ایشان مقایسه‌ای کرده بودند از سیدجمال و کا مرحوم عبیده، و نقطه قوتها و نقایص آنها را در آورده بودند، در جمع بندی کار را من دویزرگوار رینشهاد می‌کنند که با بدیا مردم کار کرد، من از آنجا که می‌خواستم حق مطلب را ادا بکنم یک قسمت از نوار دکتر شریعتی را نقل می‌کنم:

"... مطلبی دارم در مورد سیدجمال، کار سیدجمال و عبیده در عین حال که کاری بود در جهت حیات بخشیدن به فرهنگ ما، برای حیات دادن به جامعه اسلامی که حیاتش از دست رفته بود، در برابر استعمار و ارزشهای استعماری تعظیم کرده بود، در این جهت بود، اما متدکارشان کامل نبود شما از نهایت احساس و ارادت من نسبت به سیدجمال و عبیده آگاه هستید. چون غالباً گفته‌ام که آنها را نه فقط پیشوای آزادی فکری جدید در تاریخ اسلام در جامعه اسلام قرن معاصر می‌دانم، بلکه رهبر و متدکار آنها زکند همه نهضت‌های ضد استعماری در دنیا می‌دانم، اما متدکار این دنیا قس بود، سیدجمال کوشید تا نهضت را جنبش را و بیداری را، استقامت در برابر هجوم استعماری و فرهنگی غرب را، با رجال بزرگ سیاست و از طریق حکومتها و شخصتهای جا کم بر جا معیه اسلامی تحقق بخشید، اینکه مثل یک توب در برابر بر سلاطین و خلفای اسلامی او را به هم پاس می‌دادند و آن طوفان عظیم و آن همه تنوع و استعداد بی‌میزانی که تا بسجکی داشت در نسل جا معیه‌ها انکاس پیدا نکرد، و بعد نتوانستند نیست سهرم نسل به نسل بمبارانش بکنند تا آن که فلج شود جنا نحه هنوز هم مشغولند، دوم محمد عبیده، او این نقی سیدجمال را نداشته احساس کرده که از این راه نمی‌توان



رفت، گرچه شاگردا و وریدش است، اما انتقاد به کسی داشتن غیر از معتقد نبودن به او است، آن نیست که یک نقی می‌بیند، در یک طرف بطور کلی وجودش را منکر است، آمد از طریق روحا نیتون بزرگ و علمای بزرگ اسلامی در جامعه‌های اسلامی شروع کردند از طریق تحقیق علمی در معرسمی و کمرجه، کار او و استکار او و سایر اشرافیت بود، اما با زهم قرآن به عنوان تنها سر حمله حیات و حرکت در متن جامعه‌ها تحلی نکرد، زیرا کار سیدجمال که می‌خواست حکام کشورهای اسلامی را و رهبران کشورهای اسلامی و رجال سیاست کشورهای اسلامی را عوض بکنند اشتباه است که نمی‌شود کسی را که دارای همه امتیازات هستند در جامعه، او را در یک ریسک کرد و تغییر داد، هر دو افراط استثنائی هستند... و هم محمد عبیده کارش نتوانست کامل شود، به صورت کامل تحقق پیدا کند و به علت اینکه علمای بزرگ اسلامی در تونس و مصر و الجزایر و... که از آنجا شروع کرده‌اند، اینها نیز دارای قدرتمند و دارای امکانات وسیع و دارای نفوذ... انحصار طلبی‌ها و امتیازات جست‌وجوه، موقعیت مرکزی، زعمایست معنوی همه اینها امتیازاتی است که آنها را محافظه کارها می‌آورد، مگر آنکه فردی استثنائی علیه طبقه خودش بشود مثل خود سیدجمال و مثل خود عبیده، اما به صورت کلی همواره کسی که قدرت سیاسی داشتند با قدرت اقتصادی، درست مثل آنها کسانی که قدرتهای معنوی و علمی و اخلاقی هم در جامعه داشتند و با موقعیت آنها نیز محافظه کار بودند، که محافظه کار یعنی کوشش برای حفظ کسی که برای حفظ کوشش می‌کند که چیزی برای حفظ داشته باشد، و می‌ترسد و نمی‌خواهد تغییر پیدا کند و نمی‌خواهد عوض بشود، المفسر که فی‌المانا... است، کسی می‌تواند بتراشدش نکسی می‌تواند بخردش، نه

● اما خمینی و بسیج مردم

به نظر من قیام ملی ۱۵ خرداد در حرکتی بعدی، از جمله نهضت‌ها بی بود که روی توده‌ها کار شد. اما خمینی سال‌ها در حوزه‌ها بودند با علما برخورد داشتند، حتی در اینجا دعوت مردم را می‌کردند. برو جردی نقش داشتند، ولی در نهایت به این رسیدند که فاسد نماند، حتی وقتی مرحوم مطهری آمد، خمینی می‌روند که از اعدا شهید نواسی جلوگیری کنند، ایشان می‌گویند: فایده‌ای ندارد، بعد با اصرار آقایان لقا می‌کنند نزد مرجع وقت می‌روند. وقتی بر می‌گردند می‌گویند: "بدی گفتن فایده ندارد، یعنی یک سبزی با علما طی کردند و در نهایت به این نتیجه رسیدند که با ایدیا مردم صحبت کنند و آن قضا یا روحانیت که پیش آمد، ایشان در منزلشان صحبت می‌کردند و مردم از طرف او کتاف می‌رفتند و صحبت‌ها را ضبط می‌کردند و به شهرستانها می‌بردند کم‌کم گسترش پیدا کرد و ما مسئول عمیقتری مطرح کردند. به تدریج مردم متوجه شدند که ایشان صرفاً مسئله‌شان اصلاحات را راضی‌وزنان و قانون اساسی نیست، سنت‌شان از زمین بردن شاهپرستی است. از طرف دورشان جمع شدند و پس از سررسمند و کارهای فکری و بی‌بندی که با جوانان و انجمن‌های اسلامی خوردند زمینه انقلاب اسلامی فراهم شد. این نظریه‌ای که با بدوری مردم کار کرد در مرحوم مطهری خلی می‌دیدم. هم در مسجدها بیت که برای مردم صحبت می‌کردند و هم در کنگره انجمن‌های اسلامی در سال ۴۱. بعد از زلزله بوئین زهره، من از ایشان پرسیدم که آیا قضیه چیست که خدا همه عذابها را برای مردم فقیری فرستد و زلزله متوجه مردم محروم است، جمله‌ای گفتند که واقعا جهت زندگی مرا عوض کرد و حتی سال آن هم گستاخی و جرات می‌خواهد. ایشان گفتند:

"خطاب خدا در قرآن به توده‌ها است و این توده‌ها هستند که با بدقت می‌کنند و جلوی ظلم را بگیرند و عذاب خدا هم برای اینها می‌آید. اگر اینها قضا مکرده بودند و شاه را سرنگون کرده بودند، شاه زلزله آنها را نمی‌بلعد! آن موقع برای من تحمل این حرف بسیار سخت بود ولی یک مطلبی هست و آن اینکه مرحوم مطهری با درک عمیقی که از قرآن داشتند می‌گفتند: خطاب خدا به توده‌ها است. خدا برای یک شیان (در داستان مولوی) موسی را عتاب و خطاب می‌کند که تو برای وصل کردن آمدی - نی برای فصل کردن آمدی. بحث این است که ۱۵ خرداد الگویی بود که یک رژیم را سرنگون کرد. یک رژیم را که وابسته به مستشار خارجی بود، ۶۰ هزار مستشار خارجی. من یاد هستم در آن زمان، یک مستشار را به نام "ها و کمنز" اعدام کردند، فشارها و اک برزندان نشان به قدری

کسی می‌تواند بی‌فروشدش، می‌بینید تمام این حرفها مال دو کلمه است: خواستن و داشتن هر چیز، چه مال و حیثیت و عنوان و موقعیت چه پول و ملک و املاک و امثال اینها، چه مقام و بیست ورتبه، فرقی نمی‌کند، شرایط و اوضاع را باید حفظ کرد تا آنچه را می‌خواهد بدست آورد. و همچنین حفظ کرد تا آنچه را در دست ندهیم، و عبیده و سید جمال از کسای که دارند، می‌خواستند شروع کنند، نشان چنان که با بدبند، باید از مردم شروع کرد، با ایدیا مردم شروع کرد.

منا هده می‌کنیم که مرحوم شریعتی ما را توجه می‌دهند که با ایدیا مردم شروع کرد و بقایب کار سید جمال و عبیده را در آورده، به مطلبی اشاره می‌کنند که اگر نشان به رجلی انتقاد داشته باشد این به معنای آن نیست که به او واردات ندارد و ریم و او عنق نمی‌ورزیم. خوددکتر شریعتی خلی عاشق سید جمال است و او را رهبر مبارزات خداست معاری نه تنها در منطقه‌ها و ریمان و کشورهای اسلامی، بلکه رهبر نهضت‌های آزادبخش دنیا می‌داند. امیدوارم که این شیوه برخورد با شخصیتها در ما زنده شود. در این رابطه مرحوم مطهری گوجه استادان مرحوم علامه طباطبائی می‌گویند رضای... عنقه، روحی‌لدا لفا ولی در ایس مقاله‌ها و انگیزه اخلاق (کتاب با دنا مه شهید مطهری - مقاله‌ها و انگیزه اخلاق) می‌گویند تمام آثار را ستا در خواننده‌ام، المیزان را سر تا سر خواننده‌ام، ولی ایشان ویژگی‌ها را انسان را، استخدا مطلبی می‌داند که شکل مودب است شمارگری است. با به لحاظ اخلاق قرار دادی ایشان می‌گویند که من فرقی بین نظرات استاد و برترانند را سل ندیدم. ضمن اینکه خلی به استاد علاقه‌مند است و عشق می‌ورزد ولی آنجا که پای متدلوژی اسلامی به میان می‌آید انتقاد هم می‌کند. هدف از انتقاد با زندگی است، یعنی زمین بردن نقصها و ایدیا ریم که همین مطلبی که دکتر شریعتی می‌گویند در ما هم جا بیفتد. حتی بیروان دکتر نسبت به خوددکتر، بیروان اما مراجع به شخصیت خود ما، ضمن اینکه عشق می‌ورزیم، علاقه دارم ولی اگر نقصی در روش کار به نظر ما رسد، گفتن آن تکمیلش است و از عشق و علاقه‌ها کسسه نمی‌شود. مطلب دیگر اینکه عبیده روی متدلوژی سید جمال ابردا شد و به جای کار روی سلاطین و روسا کار را از علمای حوزه‌ها شروع کرد، گوجه مقداری موفقیت بدست آورد ولی به طور کامل نتوانست قرآن را به صحنه بیاورد و آن را درجا معده تجلی به هده به همین دلیل هم نتوانست با توده‌ها بیوند بخورد. البته کار فکری ارزش دارد ولی آن کارنها بی نیست، مرحوم دکتر می‌گویند با بدوری توده‌ها کار کرد. اکنون این سؤال مطرح است که کار روی توده‌ها چگونه باید بشود؟

همه نیروها بی که در انقلاب سهیم بودند اما زجا هده طرفدار شریعتی و نیروها یعدالت طلب و خود خط اما میها و همه مشمول این انگ التقاط شدند... با این شعار همه حذف شدند

زیبا دنده بود که حد شلاق از هزار تا به ۱۵۰۰ بعد به دوهزار رسید. همه را می‌زدند و از این طریق به جا بی بی‌بردند، حتی بعضی‌ها هم در این راه شهید شدند، یعنی حساسیتی که به یک مستشار، به یک سرگرد نشان دادند این قدر زیبا نبود. حالا فکر کنید، ۶۰ هزار مستشار را از ایران بیرون کنند، رژیم شاهنشاهی می‌قوت کند، جا سوسا نه تصرف... و این کارها واقعا بدون بسیج توده‌ها امکان پذیر نبود.

● روش بسیج چگونه است

اینکه چگونه مردم بسیج شوند و چگونه قیام کنیم، روشها متفاوت است. من نظری خودم را از روش اما موروش مرحوم مطهری می‌گویم:

● قرآن، قانون حرکت توده‌ها است

به نظر می‌رسد اما موروش است... طالقانی بنظر فکری می‌کردند که قرآن کلام خدا و قانون حرکت توده‌ها است. یعنی تنها از راه عمل به قرآن است که می‌شود با توده‌ها بیوند خورد. چرا که توده‌ها فطریا ند و قرآن قانون فطرت، کما اینکه مرحوم شریعتی هم گفتند که شاه به مرحوم عبیده این بود که قرآن را کما ملادرجا معده تحقق نداد. مرحوم طالقانی هم نظریان همین بود و مقدمه بر توی قرآن (جلد اول) می‌گویند که قرآن قانون تکامل اجتماعی است. این خیلی مهم است که قرآن قانون حرکت است. هر حرکتی قانونش در قرآن است. حرکت تکاملی قانونش در قرآن است.

● کلید فهم قرآن دعا است

اما همین اعتقاد را دارند، منتها کلید فهم قرآن را دعا می‌دانند و می‌گویند تا مواجبه با خدا برقرار نشود ما به سمت خدا نرویم نمی‌توانیم مخاطب خدا در قرآن قرار بگیریم. کما اینکه می‌توانیم به قدری برسیم، به قدری نیازمند شد و به قدری به خدا توجه کرد که مخاطب و جی شد. اگر ما به همین نسبت خود را زی‌کنیم و خودمان را الله کنیم، به یک نسبتی مخاطب و جی قرار می‌گیریم و وحی در ما می‌افتد، آیات

قرآن در ما جا می‌افتد و بعد خودسازی در درون خودمان به وجود می‌آید و خودمان بسج می‌شویم و انگیز مندی شویم و امانت‌مان بیشتر می‌شود. بعد از این مرحله که خودمان بسج شدیم، محیط اطرافمان را هم طبعاً بسج می‌کنیم و به هر حال با مردم هم بیوند می‌خوریم. پس کلید مرکز قرآن دعاست و قرآن هم قانون حرکت توده‌ها است و از این طریق است که ما می‌توانیم با توده‌ها بیوند بخوریم و توده‌ها را بسج کنیم.

● مسجدها پست در بیوند با مردم

زمانی مرحوم طالقانی در مسجدها بیت با صبر زیاد آيات را تفسیر می‌کردند، تکرار می‌کردند، بعد در زندان طاعت غسوت با داداشها نشان را جمع‌آوری کردند و با چه محبتی ز زندان بیرون می‌فرستادند و تصحیح و غلط‌گیری می‌شد. من خودم جلد اول را در دادگاه از ایشان می‌گرفتم و می‌بردیم به خانه، تصحیح می‌کردیم و ایشان قدری گریه‌ها را در دادگاه جلد اول بر تو منشنشود، از برکت مسجدها است چه کارها بی که برای انقلاب نشد! من یک بار آما رگرفتم و متوجه شدم تمام کارها بی خوب انقلاب که یک روشنگری و روشنگری‌ها را دارند، کما با لیه مسجدها بیت داشته‌اند. شهید مطهری می‌گفتند که مسجدها سلامبول. دلان داداشگاه است، و هر کسی که می‌خواست با نسل جوان بیوند بخورد، یک مدتی به مسجد هدا بت می‌مد و قبل از منبر آقا صحبت می‌کرد، جوانها او را می‌شناختند و با او بیوند می‌خوردند و سپس او را به داداشگاه دعوت می‌کردند. این مطلب را آقای مامی کاتاندر خطبه‌ها اینما زجمع از ایشان نقل کردند. به هر حال راهی که ما موآبتا... طالقانی برای بسج توده‌ها داشتند، به نظر من این بود.

● دیوان حافظ و مثنوی و تفسیر قرآن

به نظر من کتاب حافظ، منجم تریسن تفسیر قرآنی است که به فارسی دیده‌ام با



کتاب مثنوی که خود می‌گوید: "هذا اصول اصول دین و هوفقه... لاکبر" خودش چنین اعتقادی دارد و آقای جعفری شیرازی هم می‌گفتند که بهترین تفسیر قرآن بسط فارسی است. اشعار حافظ و مثنوی عمیق قرآنی دارند و به زبان فارسی هم نوشته شده و بهترین منبعی است که اگر با توجه به فرهنگ ایران زمین روی آن کار شود برای بسج مردم خوب است.

تفاوت تکیه به آراء

مردم و عشق به مردم

وقتی صحبت از بسج مردم می‌شود و نظریه وجود دارد، یک نظریه که تکیه به آراء مردم دارد، به آراء کمی مردم تکیه دارد. هر رأی یک انگیزه‌ای و آن هم انگیزه‌های متناقض. مثلاً ما ده هست ۱۰/۵ میلیون رأی یعنی مردم را مواضع متناقضی بود. یکی از مواضع کمونیستی به او رأی داد. یکی از مواضع ما ثوئیستی، یکی از مواضع روحی و دیگری از مواضع ضد روحی است. و رأی داد. از مواضع التقاط از مواضع ضد مبارزه مسلحانه و... من به سلامتی آن مشاور او گفتم که به بنی صدر بگویید که به این ده ونیم میلیون رأی نزنند و غرور به او دست ندهند. چون هر کس با یک انگیزه‌ای به او رأی داده و اینها انگیزه‌های مختلف دارند و در نهایت از او جدا می‌شوند. ولی او به ده ونیم میلیون رأی تکیه کرده و آن جا بی‌سید که دیدید. این یک نظریه است که به آراء کمی مردم تکیه می‌شود بدون در نظر گرفتن جهت تاریخ. یک نظریه دیگر هم است که مرحوم طالقانی در بیروتی قرآن می‌گویند که مردم را اگر از خدا جدا نکنیم، هیچ نیست. رأی مردم صرفاً صالت ندارد.

بسج مردم یعنی غلبه

اندک بران نبوه به اذن خدا

مردمی که فطری هستند، در جهت تاریخ حرکت می‌کنند. با لاف و تارخ جهت دارد، اگر مردم در این جهت نباشند ارزش دارد. اگر مردم در این جهت نباشند ارزش ندارد. این اختلافی است که بین نیروهای ملی و مکتبی در ایران وجود دارد. یکی به جهت تاریخ معتقد است و به مردم از این دیدگاه نگاه می‌کنند که می‌توانند در شرایط سخت بسجشان بکنند، کارها را می‌کنند، با تکیه به اصل قرآنی غلبه اندک بر انبوه به اذن خدا آنها را بسج بکنند و یک تیلوری ایجاد بکنند و حرکتی به وجود آورد.

یک نظریه هم به تمایلات مردم تکیه می‌کند. خوب ممکن است تمایلات بدی هم پیدا بکنند، و مردم گرا بی زاین راه ممکن است به نحرف بیایا نجامد.

کشف عمل صالح

قیام ما محسین (ع) و

توده‌ای شدن آن

حنیف نژاد می‌گفت با بدعمل صالح را کشف نکنیم، و از طریق عمل صالح است که مردم بسج می‌شوند. کما اینکه ما محسین (ع) از زمینه حرکت کردند به سوی مکه و آنجا وقتی که به عمل صالح، عدم بیعت با یزید رسیدند، گفتند که با یزید نبا بیعت کرد. این عدم بیعت با ظالم کانون مقابله و منشی اجرا کرد و از اطراف واکتاف، نامه‌ها به او می‌فرستادند و به دنیا آن قیام کوفه اجرا شد و ما مسلم را فرستادند. با لاف همه جا زمینه قیام موجود است. اگر چه بسا نیروی زیاد سرکوب شد، ولی ما محسین (ع) توانستند مردم را بسج کنند، به طوری که عصر تا سوغا و وقتی که دشمن برای پنج روز امان خواستند، از ما می‌پرسیدند: چرا برای پنج روز امان می‌خواهد؟ امام گفتند: برای اینکه مردم به من بیبندند. بین قوا یکفر هم درگیری بود. این سعید گفت اگر از خود ما می‌پرسد استیضاح را می‌گوید، ما می‌گفتند بله همینطور است و به همین دلیل هم جنگ را در صبح‌ها شروع کردند که مردم با ما می‌بوند برقرار نگیند و مردم از همه طرف به طرف کاروان حسنی در حرکت بودند. یعنی مردم قیام توده‌ها و بسج توده‌ها این است که عمل صالح را کشف نکنیم و عمل صالح ما خمینی شعار مرگ بر شاه بود. مرگ بر شاه از نگاه عمیق در مردم سرخورد را بود. حتی در سن ۲۵ تا ۲۸ مردا ده شهیدقا طمی در میدان بها رستان سخنرا نمی‌کرد مردم همه فریاد کشیدند که: "ما بسج و قرآنیم، ما شاه نمی‌خواهیم". یعنی یک انگیزه‌ای بود که همه را بسج می‌کرد و علیه منشاء فساد بود، مرحوم طالقانی در مقدمه کتاب حکومت اسلامی‌تان نوشته اند که چاره، کندن ریشه تا پاک‌شاید برستی است و این را در سال ۱۳۳۵ (سال چاپ کتاب) نوشته اند و دست گذاشته اند روی منشاء فساد، و ریشه فساد، و مردم بسج شدند و حول عمل صالح جمع شدند و انقلاب کردند.

علت عدم بسج مردم

در کنار رزم بسج توده‌ها با بدیه این مسئله هم فکر کرد که چرا در شرایط فعلی مردم بی‌تفاوت شده‌اند؟

ضدبها شد و انگ التقاط به نیروهای بی که در انقلاب نقش فعال داشتند

انقلاب ما پیروز شد، مردم به رهبری ما قیام کردند، شاه را سرنگون کردند، مستشارها را بیرون کردند و واقعاً بهار آزادی که به وجود آمد در تاریخ ما بی‌سابقه

عملاء هم دیدیم با این تحولاتی که در دنیا می‌نویسیم

اتفاق افتاد، کمونیسم یک شیوه تفکر و یک

نظریه است، انسانها می‌مانند

ولی نظریه‌ها از بین

می‌روند، تحول

پیدا می‌کنند

و عوض میشوند

بود. حال چه شده بخشی از مردم فعال نیستند؟ انقلابی که مرحوم طالقانی می‌گفت توحیدی بود، اسلامی بود، مردمی بود، انقلاب محرومین بود، چه شد که توارش کم رنگ شد؟ به نظر من وقتی که در با سقوط کرد یکی از جناح‌ها می‌هم در با زمان ندهی خودش را حفظ کرد، جناحی که به ضدبها شد معروف بود و سعی داشتند یک جناح از در با ربا شدند. حتی ما بقه می‌گذاشتند که بر شاه، ولی بعد در درس بدهند و از دست بها ثبها در سا و رند. اینها سالم ماندند و انگیزه اینها را علیه بها شد بود. انقلاب بها ثی‌ها را به او اظه و استگیشان به صهیونسم، آمریکا و انگلیس محدود کرد و اینها دیگر انگیزه‌ای نداشتند. بعد اینها به این نتیجه رسیدند که به جای بها شد با کمونیسم جنگند، و گفتند کمونیسم هم که دیگر نیروی در جا معما نیست و مطرح نیستند، یعنی در جا کمیت نیستند، بیس با شیم با التقاط جنگیم. ۱۳۵۰ کتاب و جزوه و مقاله که در اینها شناخت از سال ۱۳۵۰ به بعد نوشته شده بود، جمع آوری کردند و شروع به مطالعه آنها کردند و گفتند که اصلی‌ترین شعار که می‌توانیم داشته باشیم مبارزه با التقاط است که همه مسلمانها را در بر می‌گرفت. مسلمانهای ما رزی که رسیده بودند به انگیزه زفقته حوزه‌ها و آموزشهای، مجموعه‌ها را عملی در نمی‌آید، چنانکه ما مهم بعداً گفتند. اینها گروه و حزب تشکیل دادند و کتابهای انقلابی مطالعه می‌کردند و مقداری از با فلسفی آن کتابها در سن عقایدشان وارد شد. التقاط در آن بیرویه مترقی بود. اگر مسلماً نی‌قلش برای سلام می‌تید و دلش برای سلام می‌وزد و انقلاب شوری را مطالعه می‌کند، برای آنکه درسی از آن بگیرد، خوب طبعاً به طور ناخودآگاه یک مقدار با فلسفی‌اش هم آید و این در جریان عمل صالح تصحیح و کامل می‌شود. این جریان ضدبها شد است این حرکت را هم التقاطی‌ها مند. التقاط مهمتری که بود یعنی التقاط اسلام و یونان را فراموش کردند و التقاط بدبها شد آن، التقاطی که بین اسلام و مسلمان وجود داشت یعنی مکتب اسلام و فرهنگ مسلمان، که در خود ما هم لان وجود دارد. ما بسا رزی زکارهایمان را از "فرهنگ اسلامی" الهام می‌گیریم و مقدار کمی از "مکتب اسلام" را هنما می‌عملمان می‌کنیم. بس اینها التقاطی‌ها مطرح کردند که تمام نیروهای انقلاب را در بر می‌گرفت و می‌توانستند بگویند آقایان منهای یک وقتی بسا

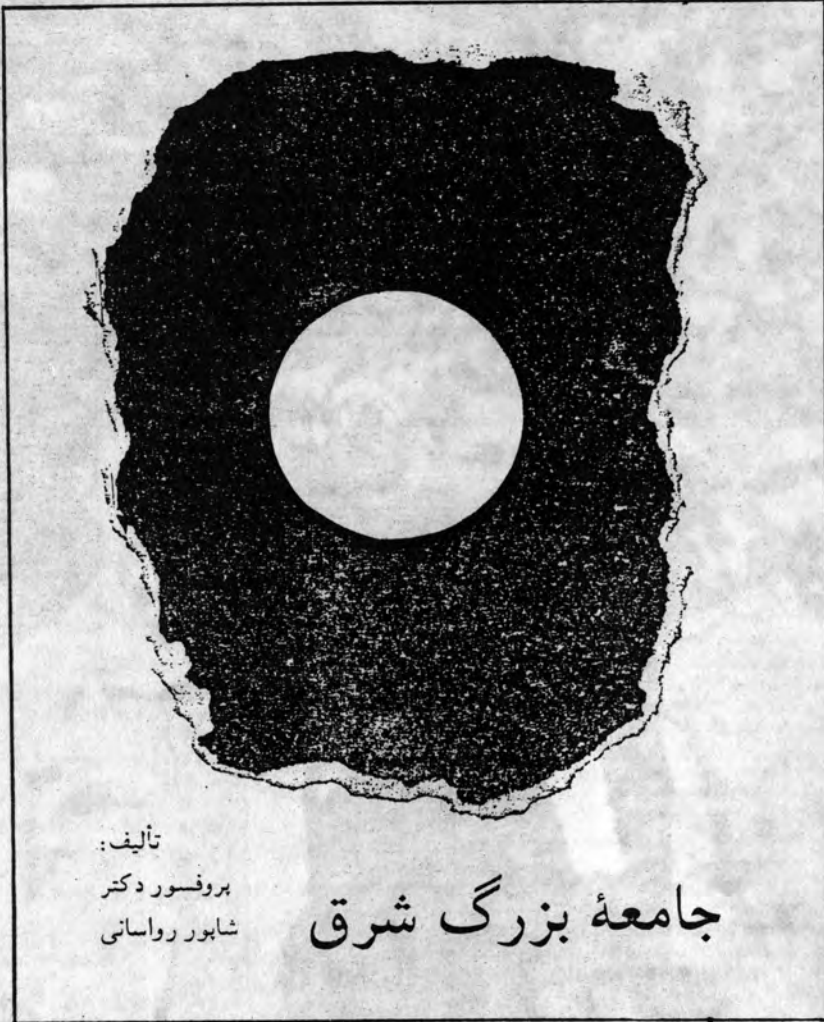
ما هدین بودند پس التقاطی‌اند، آقای‌ها شمی هم التقاطی‌اند و خلاصه تمام مسئولین را یک انگ التقاط بزنند و نیروهای عدالت طلب و عاشق خدا و عدل طلب را انگ التقاط بچسباندند. آدم عدل طلب می‌گوید محرومین با بد زحرومت در سا نند و وقتی سم محرومین برده شود می‌گویند التقاط با کمونیسم است. این است که انگ زمینه داشت و در انقلاب با دوا زده هزارا که در می‌هم که داشتند و استند این قضیه را در مسئولین جا بندازند. با توجه به زمینه‌ها یک بود و کتاب بنی صدر و سرورش هم به این زمینه‌ها من زده بود، متاسفانه مسئولین هم این شعار را بردادند و نقطه عطفی به وجود آمد، و شعار مبارزه با التقاط از یک مبارزه فکری‌ها رچیده و به صورت یک خط می‌استراتژیک درآمد. که همیشه نیروهای بی‌سعی که در انقلاب سهم نداشتند از مجاهد و طرفدار شریعتی و نیروهای عدالت طلب و خود خط امامها و هم مشمول این انگ التقاط شدند. ۷ - ۸ سال انقلاب ادا می‌بدا کرد و این شعار هم حذف شد، همه گزینشها را هنمای عملشان مبارزه با التقاط بود.

پیام سال ۶۷ امام

و مبارزه با انگ

التقاط

اما در بسا محسال ۱۳۶۷ یعنی در همان بسا می‌که قطعاً می‌بذیرفته شد، خطا به روحا نیون به این مضمون گفتند که کما نی هستند که دلشان برای اسلام می‌وزد و قلبشان برای سلام می‌تید و شما بسا بدبها اینها انگ التقاط بزنند چرا که انگ التقاط از خود التقاط خطرناکتر است. اینها کما نی هستند که راجع به هر چیزی ما بسج نظرند و موضع دارند و اگر عاقبت طلب بودند، چرا موضع می‌گرفتند و خودشان را به خطر می‌انداختند، اینها را اما در بسا محج گفتند و تا شرمه‌ها شد. بعد در مجله نور علم، آقای بی‌سنا مسجد امفها بی‌سرای ولین با در مورد دکتر شریعتی مقاله‌ای نوشته‌اند و از آدم دل‌سوز و صادقانه استند که قلبش برای سلام می‌تید و نقطه قوتها یکترا برای ولین بسا



تألیف:
پروفسور دکتر
شاپور رواسانی

جامعه بزرگ شرق

پخش و فروش این کتابها از طریق
بنگاه خوارزمی واقع در خیابان انقلاب
انجام می شود.

ناشران و نویسندگان محترم میتوانند آثار خود را
جهت معرفی برای ما ارسال دارند.

عنوان کتاب: جامعه بزرگ شرق
تألیف: پروفسور دکتر شاپور رواسانی
تاریخ چاپ اول: بهار ۱۳۷۰
تیراژ: ۳۳۰۰
ناشر: نشر شمع
قیمت: ۲۲۰ تومان

در این کتاب با استناد به مدارک
تاریخی و شواهد علمی در باره گذشته اقوام و
مللی بحث می کند که بیشتر در مناطقی
خاور میانه و کشورهای شرقی زندگی می کنند.
این کتاب نشان می دهد که علی رغم مرزهای
جغرافیایی و اختلاف زبان و قومیت در این
مناطق، این مردم دارای پیشینه مشترک
هستند و بسیاری از جدایی ها و تجزیه های
نژادی و قومی بعدها توسط استعمارگران
و مستشرقان وابسته به وجود آمده است.

نشر شمع علاوه بر این کتاب آثار زیر را
نیز منتشر کرده است:

- ۱- دولت و حکومت در ایران
- ۲- بررسی نهضت میرزا کوچک خان
- ۳- چپا و ل (دنیای سوم چگونه غارت
می شود)
- ۴- نظریه دو دنیا

سه شهید دانشگاه تهران، ۱۶ آذر
 ۱۳۳۲: قندچی، شریعت رضوی،
 بزرگ نیا که هنگام ورود نیکسون به
 ایران و در جریان اعتراض خشم‌آلود
 دانشجویان دانشگاه به شهادت
 رسیدند.



این "سه‌یا ردبستان" که هنوز مدرسه‌ر
 را ترک نگفته‌اند، هنوز از تحصیلشان
 فراغت نیاخته‌اند، نخواستند (همچون
 دیگران) کوپن‌نا نی‌بگیرند و از پشت
 میز دانشگاه، به پشت‌پا چال بازار
 بروند و سردر آخور خویش فروبرند. از
 آن سال، چندین دوره آمدند و کارشان
 را تمام کردند و رفتند، اما این سه تن
 ماندند تا هر که را می‌آید بیا موزند،
 هر که را می‌رود سفرش کنند، آنها
 هرگز نمی‌روند، همیشه خواهند ما
 آنها شهیدند، این "سه قطره خون" که
 بر جبهه دانشگاه ما همچنان تازه و
 گرم است.

از وصیتنامه معلم شهید
 دکتر علی شریعتی